



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
۱۴۰۳ | ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۶ | 31 December 2024
۸ صفحه | پنج هزار تومان | سال سوم | شماره چهارصد و نود و نه
www.asrghanoon.ir

آمریکا، بن بست کاخ سفید

رئیس کل بانک مرکزی: نرخ دلار بازار ایران را یک سایت آمریکایی تعیین می‌کند

فرزین رئیس کل بانک مرکزی گفت: کانال بن بست که از ۹ صبح برای همه صرافی‌هایی ایران نرخ دلار تعیین می‌کند در آمریکا ثبت شده و همه سرورهای آن هم در آمریکا است؛ ۹ صبح که معاملاتی صورت نمی‌گیرد این کانال نرخ می‌گذارد و صرافی‌ها هم از روی آن نرخ می‌گیرند. بالاین کانال اعلام خبر واقعی به بازار ما می‌دهند.

بروز حقیقتاً، کارشناسی بازارهای مالی اظهار کرده «با توجه به اینکه در حال حاضر قیمت دلار بالاتر از ارزش ذاتی خود که نیمه کردیور هفتم است، معامله می‌شود انتظار داشتیم که اصلاحی در این قیمت رخ دهد اما اصلاحی که مد نظر ما بوده تنها در حد یک یا دو روز صورت گرفت و اکنون دوباره قیمت صعودی شده است.»

صهیونیسم و بحران سوریه



آنچه باید ما را حساس کند صهیونیست و طرح و ایده فکری آنهاست که می‌خواهند فکر و فرهنگ صهیونیست سیاسی را محکم کنند.

۲

یمنی‌ها امکانات نظامی پیشرفته‌ای دارند



اساساً صهیونیست‌ها هیچ عرقی به سرزمینی که در آن ساکن هستند ندارند. ساکنین سرزمین‌های اشغالی بر اساس وعده‌هایی که به آنها داده شد دور هم جمع شدند که در صدر آن امنیت قرار داشته است.

۴

فرصت برای بازیابی حماس و حزب الله



اسرائیلی‌ها نیز می‌گویند اگر قرار باشد کسی از صدها کیلومتر آن سوتر به ما حمله کند، دیگران نیز این جرات را پیدا می‌کنند و لذا حمله یمنی‌ها بسیار اهمیت دارد.

۴

مقابله با بنگاه‌های غیرمجاز



معاملاتی که در این سامانه ثبت نشود و یا مبالغی افزون بر قیمت عرف و قانونی گرفته شود، جریمه‌های مالی و همچنین تعطیلی موقت یا دائم املاکی در نظر گرفته شده است.

۵

دورزدن تحریم‌ها با استفاده از ارزهای دیجیتال



دولت روسیه قانونی را تصویب کرده است که به تجارت خارجی با استفاده از دارایی‌های دیجیتال و بیت‌کوین اجازه می‌دهد.

۵

۶ ماه طول می‌کشد مری نام بازیکنان رایا بگیرد



شش ماه طول می‌کشد تا مری خارجی نام بازیکنان را یاد بگیرد! اگر مری خارجی می‌آورد، حداقل یک مری درجه یک بیاورد. برانکو ایوانکوویچ گزینه‌ای خوب است، اما شنیدیم که همسرش گفته نباید و او هم می‌ترسد!

۸





سوریه؛ میدان نبرد ایدئولوژی‌ها و بازیگران سیاسی

ذبیح‌الله نعیمیان

حجت‌الاسلام ذبیح‌الله نعیمیان در نشست جریان‌شناسی بازیگران فکری و سیاسی سوریه طی سخنانی با بیان اینکه ذیل تحقیقات خود با مساله سوریه مواجه شدم و اینکه گروه‌های سوری به تدریج وارد کار شده‌اند، افزود: در این بین یک حلقه اختصاص به ابومحمد جولانی داشت، حلقه دیگری که محل دغدغه من شد مربوط به جریان‌شناسی مذهبی سوریه بود که شامل تیپ شخصیت‌های علمایی بود که تحت حمایت ترکیه تبدیل به تشکل شدند و شامل شخصیت‌های متنوعی هم بودند؛ البته تشکل‌هایی از قبل بین این شخصیت‌ها وجود داشت، گروه‌های دیگری نیز فعالیت داشتند و نهایتاً گروه‌های مبارز، اما آنچه که امروز در سوریه می‌بینیم تحولات جدید است، فشار اسد رفت اما آدمها و جریان‌ها عوض نشدند بلکه تحول مختصری در کارها افتاده است.

استاد مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع) ادامه داد: ما باید فضای سوریه تا پیش از این اتفاقات را برای تحلیل شرایط کنونی این کشور در نظر بگیریم از جمله اینکه سوریه تحت اشغال فرانسه بود، بعدها به این سمت حرکت کردند که علما و شخصیت‌های علمی و تبلیغی چگونه نقش‌آفرینی کنند لذا از آن هیات رسمی مذهبی دور شدند و فعالیت‌ها در پوشش‌های خیره‌ای انجام شد، نهاد روحانیت و فعالیت مذهبی کلا یک سبقه خاصی پیدا کرد تا اینکه بعد از سال ۲۰۱۱ حکومت فشار اسد کارهای نظارت مذهبی را در اوقاف متمرکز کرد و شخصی به نام «عبدالستار السید» را آورد؛ نباید فراموش کنیم که نظام تعلیم و تربیت مذهبی سوریه جمعیت اندکی دارد اما از منظر ما که عادت کردیم همه استان‌ها حوزه علمیه داشته باشد، فضایی مثل سوریه از نظر مذهبی کاملاً متفاوت است به طوری که نظام فقهاتی خیلی اندک بود و شخصاً در تحقیقاتم صرفاً یک تا دو مورد دانشکده کوچک یا چند مجموعه مختصر برخورد خوردم از جمله «معهد الفتح الاسلامی» و ...

وی گفت: نکته دیگر جمعیت علمایی است که با حمایت ترکیه در سوریه شکل گرفت، آنها شبیه سازمان تبلیغات‌های کوچک هستند، برخی از آنها هم جنبه فقه سیاسی را نگهداری در سایت‌ها و نوشته‌هایشان دارند و از جماعت‌هایی هستند که درگیر کارهای سیاسی نبودند، در آن جماعت «محمد سرور زین‌العابدین» قبل از انقلاب در مقابل جریان «جامی» فعالیت کرده و گروه منتقد را شکل داد که به جریان سروری مشهور است؛ یک زمان بود در جریان سلفی جهادی سوریه و عراق برخی را متهم می‌کردند که فلان شخص سروری است، مثلاً «قحطانی» را از افراد جریان سروری خطاب کرده و می‌گفتند: تو جدی نیستی و یک آدم جهادی نیستی؛ به هر حال جولانی به نمایندگی از ابوبکر بغدادی آمد اما برای خودش بیعت گرفت واگر نه قبل از همه این موارد حزب‌التحریر داعیه خلافت داشت.

حجت‌الاسلام نعیمیان تصریح کرد: از سوی دیگر به نظر داعش بزرگترین ظرفیت ایجابی برای ابقای خلافت رابه میدان آورد اما با خشونت خود آن را خراب کرد، از سوی دیگر گروه دیگر و از جمله شخص طرطوسی به دنبال احیای خلافت مثبت بود. به هر حال آنچه مشخص است اینکه بین خود این گروه‌ها و بسیاری از سلفی و جهادی‌ها تفاوت تکفیر وجود دارد، هرکدام ادبیات مذهبی متفاوتی دارد اما ادبیات شدید وهابی‌گری میان بسیاری از آنها وجود دارد.

محمد محمدی‌نیا



صهیونیسم و بحران سوریه

تفرقه‌هایی را که از قبل وجود داشته و بسترهای کهنه دارد کاهش داده و دولت ملی با وفاق حاصل شود که اینجا بازیگران تعدد دارند.

محمدی‌نیا ادامه داد: اگر بخواهم تعبیر دقیق‌تر بر اساس دویست سال غرب جدید را بررسی کنیم باید گفت که ما با صهیونیسم بین‌المللی مواجهیم و رژیم صهیونیستی مجری این طرح است نه مجری منفعل بلکه مجری فعال که می‌تواند بر تصمیمات ناتو و روابط قدرت و ثروت در آمریکا اثر بگذارد؛ مساله دیگر آنکه در اواخر جنگ سرد الگوی تهاجمی را داشتیم که متفاوت از الگوی تهاجم پس از جنگ سرد یعنی از دو دهه قبل است؛ آمریکا از دهه شصت و هفتاد میلادی الگوی تهاجم نظامی، تغییر و براندازی حکومت‌ها را داشت اما از سال ۱۹۸۰ میلادی به بعد پنتاگون اصلی بیشتر از پنتاگون نظامی عمل می‌کند، یعنی تهاجم دکتترین شوک به کشورها بیشتر شده و آمریکا بسیاری از کشورها را با دکتترین شوک متزلزل کرده و در معرض فروپاشی قرار می‌دهد.

وی گفت: سوریه از سال ۲۰۰۵ میلادی به بعد تنها کشوری بود که در قامت دولت با ما ائتلاف دولتی داشت، از ۲۰۰۵ به بعد به ویژه از سال ۲۰۰۶ به بعد تقریباً یارانه‌ها در سوریه حذف می‌شود، تولید کالاها اساسی، غذایی و کشاورزی در داخل حمایت نشده و بسیاری از اقلام که سوریه وارد کننده آن نبود به این کشور وارد شد، بیمه عمومی در کشور لغو و بیمارستان‌ها و مدارس نیز خصوصی شدند؛ وعده داده شده بود که دولت شما چابک می‌شود تولیدات بهره‌وری خواهد داشت اما نشد، این چیزی بود که بازیگری آمریکایی — ناتوی با پیشنهادات اقتصاددان‌های سوری به فشار اسد رقم زدند و در نهایت نتیجه تعارضاتی شد که جریانی شکل بگیرد و در ادلب در بزرگراه اتومبیل‌ها را بیندازند و به پایتخت بیایند.

این پژوهشگر در ادامه تصریح کرد: مساله این است که همه این اتفاقات و مشارکت‌ها صرفاً آلت دست ناتو و ایالات متحده نیستند، بلکه آنچه باید ما را حساس کند صهیونیست و طرح و ایده فکری آنهاست که می‌خواهند فکر و فرهنگ صهیونیست سیاسی را محکم کنند، در این بین ما به عنوان بازیگر اصلی در منطقه باید در حوزه ژئوپلیتیک و منطقه‌ای الزامات یک بازیگر تمام عیار را داشته باشیم اما این الزامات را رعایت نکرده ایم.

«محمد محمدی‌نیا» عضو هیأت علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در نشست جریان‌شناسی بازیگران فکری و سیاسی سوریه با بیان اینکه ما در سوریه با طرح‌های تو در تو مواجهیم، اظهار کرد: طرح کلان طرحی است که بر اساس نظام قدرت در دنیا می‌توانیم آن را درک کنیم، طرح‌های خرد و ملی به بازیگران ملی و گاهی کوچکتر از ملی مثل منطقه‌ای که سوریه در آن قرار دارد مربوط می‌شود؛ اگر آن طرح بزرگ را بخوانیم بازخوانی ما باید از دوره جنگ سرد شروع شود یعنی نقطه عزیمت ما برای آن طرح، اکنون جنگ سرد خواهد بود، جنگ سرد تا زمانی که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی می‌رسد مسیری را طی کرده و پس از انقلاب که فروپاشی رسمی شوروی آشکار می‌شود نقطه عطف تغییر می‌کند، من فکر می‌کنم که در این طرح بزرگ که یک طرح آمریکایی — ناتوی برای کل این منطقه است یک رقیب جهانی وجود دارد و آن رقیب همین طرحی است که انقلاب برای این منطقه و بزرگ‌تر از آن برای روابط قدرت در دنیا دارد.

عضو هیأت علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه در طرح‌های خرده ملی شاهد تکثر بازیگران هستیم، افزود: در این طرح‌ها شاهد تضاد و تعارض منافع نیز هستیم، برای مثال در طرح سطح دوم که طرح‌های خردتر هستند ما گرایش‌ها، اهداف و غایات ژئوپلیتیک و گاه متعارض با هم داریم، در موضوع خاص سوریه بعد از این حادثه اختلاف نظر جدی است و همین تضاد منافع نیز این اختلاف نظر را ایجاد می‌کند، گروهی تجزیه سوریه برایشان در اولویت اول قرار دارد و گروهی دولت ملی برایشان اولویت اول است، از سوی دیگر گروهی تلاش می‌کنند که پیشران‌های هرج و مرج را گسترش داده و تشدید کنند و به مرز تجزیه برسانند و تلاش می‌کنند که

چالش‌های جدی دولت دوم ترامپ در مواجهه با ایران

شرایط کنونی حاکم بر نظام بین‌الملل به مراتب با جهانی که پیشتر ترامپ در قالب آن رئیس‌جمهور آمریکا بود متفاوت است. در جهان کنونی، قدرت‌های شرقی و غربی جهان در مقابل هم صف آرایی کرده‌اند و شکاف‌ها میان آنها عیان‌تر از هر زمان دیگری شده است.

در این فضا، شاهد تقویت پیوندهای ایران با چین و روسیه بوده‌ایم. در واقع، هم پکن و هم مسکو، هزینه‌های توسعه روابط خود با ایران در مقایسه با گذشته را به مراتب کمتر می‌بینند و درست به همین دلیل توسعه همه جانبه روابط با تهران را در دستور کار دارند.

در دوره نخست حضور ترامپ در قدرت، کشورهای عربی منطقه انگیزهای زیادی جهت همراهی با واشینگتن علیه ایران داشتند. به طور خاص در زمینه کارزار فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران شاهد بودیم که این دسته از کشورها بازیگران اصلی بودند.

با این حال، اکنون شرایط تا حد زیادی تغییر کرده است. به طور خاص، امارات و عربستان پس از حملات حوثی‌های یمنی به مراکز راهبردی خود و درک هزینه‌های سرسام‌آور تقابل با ایران و محور مقاومت، راه تنش‌زدایی با ایران را در پیش گرفته‌اند.

در نهایت باید گفت که اصل قدرت ایران نیز به نحو قابل توجهی افزایش یافته و هزینه‌های تقابل با تهران را برای آمریکا و متحدان بین‌المللی‌اش افزایش داده است. ایران در ماه‌ها و سال‌های اخیر اثبات کرده که در نشان دادن اراده‌اش به کنشگران متخاصم خارجی اراده جدی دارد و البته که اهرم‌های مختلفی را در این حوزه در دسترس می‌بیند.

کافی است توجه داشته باشیم که دو تنگه راهبردی هرمز و باب‌المندب، در وضعیت کنونی زیر آتش مستقیم ایران و متحدان این کشور در سطح منطقه هستند. تنگه‌هایی که نقشی کلیدی و غیرقابل انکار در اقتصاد جهانی دارند. و رای همه اینها، پیشرفت‌های اتمی ایران عملاً این کشور را به نقطه‌ای رسانده که در صورت تشدید تهدیدات علیه خود می‌تواند دکتترین هسته‌ای‌اش را تغییر دهد.

یمنی‌ها امکانات نظامی پیشرفته‌ای دارند

میثم روشنی

یمنی‌ها در حملات خود به رژیم صهیونیستی نشان دادند امکانات نظامی پیشرفته‌ای دارند

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع اقتدار آفرینی مقاومت یمن تا باتلاق آمریکا و صهیون در دریای سرخ و با حضور دکتر میثم روشنی کارشناس مسائل غرب آسیا به روی آنتن رفت.

میثم روشنی با اشاره به موقعیت و وضعیت یمن در منطقه به‌عنوان بخشی از جبهه مقاومت گفت: یمنی‌ها به لحاظ تاریخی مردمان بسیار سلحشوری بوده‌اند و به این ویژگی شهره بوده و هستند. از نظر جغرافیایی، یمن در منطقه ویژه‌ای قرار گرفته است و یک ملت و حکومت واحد هستند که تماماً در اختیار تفکرات گروه فعلی حاکم و در مقابل تفکر دولت قبلی یمن است. وی با بیان اینکه یمنی‌ها حاضر هستند در راه اهداف مشروع خود هر فداکاری را انجام دهند، اظهار کرد: صهیونیست‌ها در بیش از یک سال گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که از بین بردن زیرساخت‌های یمن، مستلزم حضور نظامی مستمر در این کشور است؛ اما این امکان برای صهیونیست‌ها به دلیل مصادف جغرافیایی وجود ندارد.

این کارشناس مسائل غرب آسیا با تصریح بر این موضوع که یمن دارای موقعیت ژئوپلیتیک حساسی است، بیان کرد: علاوه بر این، یمنی‌ها دارای امکانات و زیرساخت‌های نظامی پیشرفته‌ای هستند و این مسئله را بارها در حملات خود به سرزمین‌های اشغالی و زیرساخت‌های آن اثبات کرده‌اند. نیروهای یمنی

همانند نام سخنگوی ارتش این کشور، خیلی سریع واکنش نشان می‌دهند و هر اقدامی از سوی دشمنان را بلافاصله پاسخ می‌دهند.

وی آینده منطقه و یمن را ایستن حوادث و اتفاقات بیشتر دانست و گفت: شاهد درگیری‌های گسترده‌تری در محور مقاومت و به طور مشخص در جبهه یمن و رژیم صهیونیستی خواهیم بود.

روشنی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با اشاره به اینکه مردم ساکن در سرزمین‌های اشغالی اصالت سرزمینی ندارند و متعلق به آن خاک نیستند تصریح کرد: این مسئله موجب می‌شود اساساً صهیونیست‌ها هیچ عرقی به سرزمینی که در آن ساکن هستند نداشته باشند. ساکنین سرزمین‌های اشغالی بر اساس وعده‌هایی که به آنها داده شد دور هم جمع شدند که در صدر آن امنیت قرار داشته است.

این کارشناس مسائل غرب آسیا از تغییر رویکرد و عملکرد محور مقاومت در قبال رژیم صهیونیستی گفت و اظهار کرد: جبهه مقاومت از حملات گسترده و دایره بیشتر، به ضربات کوچک‌تر و مستمر روی آورده است. این استمرار باتوجه به ترسی که در دل مردم ساکن در رژیم صهیونیستی است، موجب افزایش مهاجرت معکوس از سرزمین‌های اشغالی می‌شود.

وی با اشاره به پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید، عنوان کرد: چند سال از این سخن رهبر انقلاب می‌گذرد و باتوجه به شرایطی که پیش آمده است، رژیم صهیونیستی کمتر از ۲۵ سال عمر خواهد کرد.



وی ضربات مستمر از سوی یمن موجب را از دست رفتن پشتوانه مردمی رژیم صهیونیستی در داخل سرزمین‌های اشغالی دانست و بیان کرد: باب‌المندب، شریان و شاهراه اصلی دولت‌های غربی در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود و تسلط انصارالله یمن بر این منطقه و دریای سرخ، بزرگ‌ترین ضربه به غرب است.

روشنی از تلاش غربی‌ها برای فشار به آمریکا جهت ورود زمینی به جنگ علیه یمن گفت و اظهار کرد: بخشی از این مسئله ناشی از دست رفتن تسلط غربی‌ها بر آب راه منطقه دریای سرخ است؛ زیرا کریدور باب‌المندب برای آمریکا و دیگر کشورهای غربی و همچنین رژیم صهیونیستی اهمیت و حساسیت بسیار زیادی دارد.



رمان «بندر فیلی» منتشر شد

بختیار علی، نویسنده مشهور کرد در این اثر آورده است: «در بند اعدامی یکی از زندان های بزرگ بغداد به دنیا آمد. سیدشهاب، که بسیاری از رازهای زندگی اش را می داند، می گوید: «تابلستان ۱۹۸۰ به دنیا آمده است.» تا شش سالگی هیچکس به او نگفت چگونه و چرا در زندان به دنیا آمده. او لحظه اعدام مادرش هنگامی که جسدش بر چوبه دار آویزان بوده و زیر پاهایش خالی از زهدان رها شده و افتاده بود. می گویند روز بعد از تولدش، مردی به بند اعدامی ها آمده، بچه را برداشته و از نزدیک به او نگاه کرده. بدن کوچکش را چندبار ورنانداز کرده و آرام روی موهایش دست کشیده. چیزهایی گفته و بعد روی زمین گذاشته. آن مرد که ظاهر از مسئولان بلند مرتبه حکومت بوده دستور می دهد نامش را بندر بگذارند؛ بندر فیلی. همین. به نظر می رسد این آرزوی مادرش هم بوده که نام بچه بندر باشد...»

گرچه در این رمان هیچ اشاره مستقیمی به جنبش های آزادی خواهی کردها وجود ندارد اما آدمی را به نوعی بسیار ظریف به سوی آزادی خواهی سوق می دهد، اگر به دقت به درونمایه این رمان در آن بخش که بندر با زندانیان ارتباط برقرار می کند تا از آنها آموزش ببیند می بینیم که در عراق همه به نوعی از دستجات و مردم کوچک و بازار اسیر دیکتاتوری صدام بودند.

بار اول که بندر از زندان فرار می کند شباهت مهاجرت کردها را به کشورهای اروپایی تداعی می کند اگر چه به دیار دموکراسی و آزادی مهاجرت می کنند اما به نوعی اسیر زندگی بسیار بدتر از داخل و دیکتاتور دیگری می شوند، بندر در بار اول فرار از هر طرف دچار یأس و برخورد های بد و گاهی خوب می شود اما سرنوشت غم انگیز این پسر در آزادی هم مثل مهاجرین گرد ساکن کشورهای مختلف دنیا گاهی بسیار غم انگیزتر خواهد بود. در بار دوم نیز که بندر موفق به فرار از زندان می شود نیز اگر با بار اول بسیار متفاوت بود اما این بار فرار همراه با عشق که از لایه های پنهان و بسیار خوب پرداخته رمان نویسنده در این رمان است، اگر چه خواننده هیچ امیدی به این عشق ندارد اما بندر دل به دریا می زند و همه خطرات را به جان می خرد تا به معشوق برسد در این زمینه نیز بندر دچار یاسی بدتر از شرایط سخت زندان می شود، انگار یأس ها و ناامیدهای این گرد فیلی تمامی ندارد از هر طرف رانده می شود.

نشر ثالث اخیراً این اثر را در ۴۳۲ صفحه و با قیمت ۳۸۲ هزار تومان عرضه کرده است.



مشروع هر جنگ و صلحی به روایت سازی قابل تفاهم از آن وابسته است. بی تردید ما نمی جنگیم که در قدس نماز بخوانیم و این استعاره به تنهایی فتح الفتوح رزمندگان مقاومت را برای همه گروه های اجتماعی باز نمایی نمی کند و چنین نیست که جبهه مقاومت از پشتیبانی فراگیر افکار عمومی ملت های منطقه بی نیاز باشد. ایران امروز، پیشرفت و صلح را نه در محدوده مرزهای سرزمینی که در پهنه ایران فرهنگی و در جغرافیای گفتمان مقاومت در غرب آسیا باز نمایی می کند. چنین رویکردی مستلزم بازی سازی و بازی گردانی فعال در مقیاس منطقه ای و جهانی و ایجاد ائتلاف های چند جانبه، چند بعدی و پایدار است تا امکان باز تعریف دولت ها و ملت های مشترک المنافع ذیل یک روایت متمایز و ممتاز از پیشرفت متوازن منطقه ای را فراهم سازد. برای این روایت باید با ایمان و ابتکار صحنه آرای گفت و گو و نقد و نظر شد.

آنچه در این چند سطر به اجمال آمد و تمهید و تدارک لوازم آن در طراحی سیاست های پیشرفت، به مجموعه توانمندی ها و قابلیت هایی نیاز دارد که تحت عنوان ظرفیت حکمرانی از آن یاد می شود. درک واقع بینانه از این ظرفیت، مقدمه هر تدبیر و اقدام اصلاحی در راستای اهداف و غایات مورد نظر خواهد بود و این درک تنها با گفت و گوهای متعدهانه و دور از حاشیه میان صاحبان فکر و تجربه به دست می آید. برخلاف رویکردهای اضطراری و موسمی، اتخاذ چنین رویکردی با نگاه راهبردی به گفت و گو امکان پذیر است. پرسشنامه روایت پیشرفت برای دمیدن در تور این گفت و گوها است و نتایج آن در قالب های گوناگون تقدیم مشارکت کنندگان محترم خواهد شد.

چرا باید پیشرفت را روایت کنیم؟

علیرضا حسین زاده دیلمی

۱. پیشرفت با تعریف اسلامی اگر چه به عنوان عصاره آمل مردم ایران (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹) مطرح است اما این آرمان ملی هنوز به تصویری خیال انگیز و قصه ای مورد توافق از آینده مطلوب گره نخورده است. تصویری که اگر با مشارکت قشر های مختلف اجتماعی ساخته شود و به عنوان رؤیای همگانی در ذهنیت مشترک جامعه نقش ببندد می تواند شوق حرکت و همکاری برای پیشرفت را در میان آنها برانگیزد و زنده نگهدارد. مفاهیم عقلایی کلید راه یابی به ذهن و زبان جامعه و همدل و همراه کردن آنها در متن و حاشیه های یک روایت فراگیر است. «توسعه مبتنی بر روایت» رویکردی گفتمانی به توسعه است که ضمن ایجاد تمایز ثنوریک با مکاتبی مثل انتخاب عقلانی، نهادگرایی و ساخت گرایی، از حیث سیاستی نیز اتحاد رویه هایی متفاوت از راهبردهای وارداتی توسعه را ایجاد می کند و چنانچه به مدد گفت و گو در نقطه عطف میان بنیادهای فکری و تجارب عینی جامعه اسلامی ایرانی شکل بگیرد، شیب اجتماعی را به جانب همکاری برای آینده مطلوب سوق خواهد داد.

۲. در مناظره های اخیر انتخابات ریاست جمهوری در خصوص ایده و راه حل نامزدها برای پیشرفت کشور، یک طرف مدعی بود برنامه ای دارد که کارشناسان دانا و خبره کشور آن را تهیه کرده اند و طرف دیگر به برنامه ای ارجاع می داد که کلیاتش در اسناد مصوب و قانونی موجود است و جزئیاتش را کارشناسان واقعی باید مهیا کنند. حلقه مفقوده در هر دو ادعا و البته در هفت سند برنامه پنج ساله مصوب بعد از انقلاب اسلامی، ساز و کار تبدیل این برنامه ها به روایت اجتماعی است. اینک رئیس جمهور منتخب با وعده ایجاد وفاق ملی بر سر کار است و اساس یک وفاق پایدار و پیش برنده که محور هم دلی و هم عهدی عمومی ایرانیان قرار بگیرد چه چیزی می تواند باشد جز ابتکار عمل حاصل از گفت و گوی ملی برای پیشرفت؟

۳. پیشرفت به مثابه کنش جمعی به اراده و عمل جامعه محتاج است اما شیب اجتماعی به سمت و سویی نیست که با آمیختن منافع خرد و کلان، قشر های مختلف جامعه ایرانی اسلامی را در معرض تجربه های رضایت بخش و تکرار پذیر از پیشرفت قرار دهد. «طراحی صحنه و میدان بازی برای به بازی گرفتن همه ایرانیان در این جنبش و نهضت اجتماعی» مهمترین مضمونی است که می توان آن را محور گفت و گو و تبادل فکر و تجربه برای پیش نهادن یک ابتکار ملی در جهت ساختن آینده قرار داد.

چو خرجت شد فزون، دخت فزون کن

حسن آهنگری



سرمایه گذاری های جدید پیش روست که منجر به ضرر و زیان در درازمدت نگردد!!!
۲- عدم بازدهی متناسب با میزان بودجه سرمایه گذاری شده دست کم از حیث ارزی و ریالی که تنها مالک ملموس ارزش گذاری، در علم اقتصاد خرد و کلان است و شاید حتی از جنبه اعتباری و مالکیت فکری و ارزش افزوده معنوی که متأسفانه شاخص های جهانی توسعه، خلأش را نشان می دهد!!!
۳- خواب سرمایه هایی هنگفت و «فعل شدن امکان بهره برداری توسط دیگران در مسیر درآمدزایی» یا همان افزون کردن دخل و مثبت نشان دادن تراز تجاری بنگاه تنها به علت داشتن نگاه مالکیتی بر اموال و املاک!!!

شاید بتوان تمام این نکات بر شمرده را تنها در یک واژه سوهمدیریت خلاصه کرد، لیکن عبارت زیر، شاید گویاتر جلوه کند!!!
«ما ملتی شدیم، خادم کش خائن پرست که منابع ملی را منافع شخصی پنداشتیم و به همین سبب، ضرر پنهان در مدیریت آشکار داشتیم»

و مصداقی بارز از آن؛
به جای تخصیص و در اختیار گذاشتن فضاهای آموزشی ... همایشی به ویژه در اوقات بیکاری آنها برای مصارف هم اندیشی، رفاهی، ورزشی و هنری ... مدیران شان، اجازه و ترجیح داده اند، در باری این منابع ملی بسته بماند و صحنه های شان خاک بخورد!!! ولی هم وطنان ما برای برخورداری از منافعی که می توانسته عایدشان شود، تا مرز عزیمت به دیگر کشورها در قالب توریست و شرکت در برنامه های آموزشی و یا تماشای کنسرت هایی آن چنان پیش روند که عدد و رقم واریزی به جیب دیگر دولت ها، خود نه تنها سهمی بزرگ در مقابل سهم این مؤسسات از منابع بودجه کشور را نمایش دهد بلکه، خروج تعداد

سالانی پیش که ضرب المثل: «چو دخت نیست، خرج آهسته تر کن» را فرا گرفتیم و بعدها که در رشته مدیریت بازرگانی به تحصیل پرداختیم، با خود گفتم «ایجاد تناسب بین دخل و خرج» به سوی «تراز تجاری مثبت» نمی تواند تنها با «کم خرجی» وفاق و ثبات یابد و بهتر است به شیوه های دیگر «دخل اندوزی» ولی با انگاره های مثبت هم توجه و عنایتی ویژه مبدول داریم!!! بنا را نهادن بر نگاه «درآمدزایی» و «بهره وری» و آغازش را با جمله ای: «داشته هایم را لیست و برای نداشته هایم بسیج کن» یکی از داشته های بسیار زیاد و بس ارزشمند در کشور، «تعدد فضاهای آموزشی پراکنده» در قامت کلاس های درس و سالن های کنفرانس و همایش بود با مالکیت بخش های دولتی و خصوصی و ... و برای مصارف خاص و خواص!!!

به طور نمونه فقط در یکی از مؤسسات دولتی، «ظرفیت بهره برداری آموزشی» از کلیه فضاهای اینچنینی، با احتساب تنها ۸ ساعت فعالیت روزانه طی ۲۴۰ روز کاری در سال، به حدود «۱۰۸۶۰۰۸۰ نفر ساعت» (بیش از یک میلیون و صد نفر ساعت!!!) بالغ می شد که در شرایط عادی، حداکثر میزان بهره برداری از این سالن ها و فضاهای موجودش، به عدد «۲۰۰۰۰۰ نفر ساعت» هم در سال نمی رسید!!!

یقین دارم که همین نکته بس کوچک (و البته در سایر موضوعات و موارد نیز) در دیگر شرکت ها و مؤسسات هم قابل طرح و بسط است و شخصاً در دولتی ها که بسیار سراغ دارم و در تعاونی ها و خصوصی ها هم می توان نشان گذاری کرد و عیانش کرد... اگر همین نکته را با آنچه که در عرصه کنونی در حال اتفاق است و نام مجریانش را «هیئت عالی مولدسازی دولت» نهاده اند تا رویکرد «فروش اموال مازاد دولتی در ایران و مصرف وجوه حاصله در برنامه ها و طرح های اقتصادی» را دنبال کنند مقایسه کنیم به سه نکته کلیدی دست خواهیم یافت؛

۱- سرمایه گذاری های کلان از منابع بودجه کل کشور به جهت محدودیت مصرف آنها برای کاربردهای خاص و یا به تقاضای خواص!!! که معلوم نیست چه سازوکاری برای آینده

افراد به خارج از کشور هم بشود چالشی در برابری بین واردات و صادرات توریست بین ایران و دیگر کشورها!!!

نتیجه
اگر آمار سالن های سینمای کشور را با آمار فضاهای آموزشی ... همایشی متعلق به بنگاه های دولتی و ... مقایسه کنیم در خواهیم یافت «چه میزان فضای آماده بکار» داریم؛ ولی بلا استفاده که می تواند در کل، بر میزان «دخل کشور» بیافزاید!!!

پیشنهاد؛
در دولتی که با نام «وفاق ملی» روی کار آمده هم می توان در «عصر تلفیق فناوری ها» و با قامت قبایی به نام «مدیریت یکپارچه سرمایه انسانی» و حتی بسیار زودتر از مولدسازی اموال دولت به شیوه فروش (که محل مناقشه است)، فعالیت های کاملاً اقتصادی بسیاری را موجب شد که پیش از این، نه تنها اصلاحی، توجهی بدان ها نشده بود، بلکه سبقت تاریخی مدیریت ۴۵ ساله تقریباً حکایت از آن دارد که تمام و کمال، در جهت حیف و میل و هدر رفتن گام برداشته شده!!!
بارزترینشان؛

فرصت برای بازیابی حماس و حزب الله



منتشر می‌شود.

از طرفی اسرائیل به مردم غزه گرسنگی می‌دهد تا اراده طرف مقابل را بشکند.

احسان اعجازی

احسان اعجازی در مصاحبه با برنامه رویداد رادیو گفت‌وگو درباره ایستادگی یمنی‌ها در مقابل اسرائیل و امریکا گفت: قبل از ۷ اکتبر مقامات اطلاعاتی و امنیتی نظامی برآورد می‌کردند در چند جبهه درگیر خواهند شد که شامل حماس، لبنان، سوریه و یمن بود.

بعد از طوفان الاقصی مقامات اسرائیل تصور داشتند در جنگ برنده شده و جبهه مقاومت را تضعیف کردند. اما اهمیت عملیات انصارالله نشان می‌دهد مقاومت وارد گام جدیدی شده و کارشناسان نظامی اسرائیلی نیز بر این مسئله تأکید دارند.

وی افزود: جنگ کنونی با یمن و گام جدید جنگ، کیلومترها با سرزمین‌های اشغالی فاصله دارد.

نکته بااهمیت دیگر حملات از جانب یمن است که نشان می‌دهد در جنگ یک سال اخیر مقامات اسرائیلی پیروز میدان نبوده‌اند.

اعجازی در بخشی دیگر از مصاحبه با رادیو گفت‌وگو نفس این



تکثر گروه‌های مسلح و خلافت امنیتی

در سوریه، آینده این کشور را به

لیبی نزدیک می‌کند

علی پارسا خصال

برنامه «بدون خط‌خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص آینده سوریه مشابه لیبی با دکتر علی پارسا خصال کارشناس مسائل سیاسی و منطقه به‌صورت تلفنی گفتگو کرد.

علی پارسا خصال درباره مشابه‌سازی اتفاقات سوریه با لیبی گفت: علاقه‌مند هستیم اتفاقاتی که در لیبی رخ داد در سوریه رخ ندهد و آینده این کشور متفاوت از لیبی باشد؛ اما باید بر اساس حقایق و واقعیت‌ها تحلیل کرد.

وی درباره مؤلفه‌هایی که موجب نزدیک شدن آینده سوریه به سرنوشت سوریه بیان کرد: یکی از وجوه مشترک بین لیبی و سوریه، تکثر گروه‌های مسلح و خلا امنیتی است. در لیبی معمر قذافی یک فرد دیکتاتوری و مستبدی بود اما توانسته بود امنیت را به‌صورت فراگیر، در زمان حکومت خود حفظ کند و اتفاقاً لیبی جزو کشورهای دارای رفاه نسبی در قاره آفریقا بود؛ اما هم اکنون، بعد از سال‌ها و چندتکه شدن این کشور، در تمام معیارهای رفاه و امید به زندگی افول کرده است.

این کارشناس مسائل سیاسی و منطقه در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه گروه تحریرالشام از ۱۵ گروه مسلح تشکیل شده است، اظهار کرد: در اکثر مناطق سوریه، گروه‌های مسلح مستقل و نیمه‌مستقل وجود دارند که هر کدام از آنها ادعاهایی را نسبت به مناطق خود مطرح می‌کنند. وی اشاره کرد: تلاش تحریرالشام طی چند هفته‌ای که قدرت را به دست گرفته است، ایجاد همبستگی و اتحاد بین گروه‌های معارض مختلف در سوریه بوده است؛ اما با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین گروه‌های مسلح، کردهای سوریه بوده و مورد حمایت آمریکا هستند و البته مناطق نفتی این کشور در اختیار آنها قرار دارد، این اتحاد خیلی ساده نیست. کردها هم تجربه بدی دارند و می‌دانند اعتماد کردن به وعده‌های گروه‌های تروریستی عواقب بدی می‌تواند به دنبال داشته باشد.

پارسا خصال به نقش ترکیه در سوریه اشاره و عنوان کرد: این کشور پشتیبان اصلی تحریرالشام در سوریه است و خود به پدرخوانده معنوی آنها می‌داند. ترکیه قصد دارد از شرایط موجود در سوریه استفاده کند و به کردهای سوریه ضربه بزند تا خیال خود را نسبت به آنها راحت کند؛ زیرا یکی از مشکلات امنیتی ترکیه، کردها هستند که در ترکیه گروه‌های مسلحی را تشکیل داده‌اند.

این کارشناس مسائل سیاسی با تصریح بر اینکه بعید است کردها حاضر به مصالحه با تحریرالشام شوند، گفت: تحریرالشام از آنها خواسته است سلاح‌های خود را تحویل دهد و با وزارت دفاع و ارتش ملی سوریه ادغام شوند و با توجه به شرایط، پذیرش این مسئله از سوی کردهای سوریه بعید به نظر می‌رسد؛ بخصوص آنکه کردها هم اکنون از سوی ترکیه تهدید می‌شوند و حملات به آنها از سوی ترکیه در چند هفته گذشته و پس از سقوط دولت اسد افزایش یافته است.

روابط جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه

بخش پایانی

هادی معصومی زارع

در شماره‌های پیشین مصاحبه دکتر هادی معصومی زارع که به تاریخ روابط نظام سوریه و ایران و تحولات این رابطه از ابتدا تاکنون پرداخته شده و یکی از معدود پژوهش‌های انجام گرفته با این وسعت و عمق است را خوانیدم؛ در ادامه آخرین بخش این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

— خلیج فارس هم خلیج عرب می‌گوید؟

این که رایج در کشورهای عرب است. کسی «خلیج فارس» (الخلیج الفارسی) نمی‌گوید. متأثر از شرایط تبلیغاتی است. این فضای تبلیغاتی چنان سنگین است که شما اگر امروز بخواهید بگویید خلیج فارس، موجی از حملات رسانه‌ای مزدوری یک‌شبه شما را ساقط می‌کنند.

— یعنی همین اندازه که این سو فضا سنگین است، آن سو هم سنگین است؟

کاملاً فضا این است. برای همین برخی یا اکثر متحدان ما در فضای رسانه‌ای عنوان «خلیج» (الخلیج) را می‌گویند و عنوان «خلیج عرب» (الخلیج العربی) را معمولاً نمی‌گویند، حتی حزب‌الله را من مکرر دیده‌ام، خلیج فارس یادم نیست گفته‌باشد؛ اما خلیج عربی را نیز ندیده‌ام که گفته‌باشد. واژه خلیج چرا، چون اگر حزب‌الله این را نگوید، کامل از افکار عمومی جهان عرب ساقط می‌شود. یعنی اینقدر فضا سنگین است که شما به عنوان کسی که دشمن هویت عربی هستید معرفی می‌شوید. ما که در عرصه رسانه قدرتی نداریم. یعنی ما به عنوان ایران در عرصه افکار عمومی جهان عرب غایب ایم. غیر از یک دسته سریال‌های مذهبی همچون سریال یوسف برای جهان اسلام یا سریال مختار برای جهان شیعه یا سریال اصحاب کهف، در عرصه رسانه تقریباً مفقود ایم. پس هر کس بخواهد خلیج فارس را در جهان عرب بگوید، انتحار کرده‌است. خود من به خاطر اینکه در فضای عربی هستم و واژه «خلیج» را استفاده می‌کنم و می‌گویم «کشورهای خلیجی»، مکرر مورد حمله قرار گرفته‌ام. با اینکه توی دهانم است نه اینکه بخواهم عمادانه بگویم.

— پس ما شاهد روابط پر فراز و نشیب بین ایران و سوریه هستیم، بویژه تا سال ۲۰۰۴ و ترور آقای رفیق حریری. این بیش از هر چیزی متأثر است از یکم) آن دوگانگی درون نظام سوریه و دوگانگی حرس قدیم و اسد و آن لایه نزدیک و تفاوت دیدگاه بین اینها، دوم) آن ذهنیت عملگرایانه حزب بعث در سوریه که شامل خود اسد‌ها هم می‌شود. نه اینکه همه این راهبردی نشدن به سبب حرس قدیم باشد، نه، اگر حرس قدیم هم نبود، حافظ اسد از یک سطحی بالاتر نمی‌آمد؛ زیرا اساساً تجانسی بین دو ساختار وجود نداشت.

وب شود چه خواهند کرد، یعنی ببینید که سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی یک مشت آدم نادانی هستند که هیچ چیز را نمی‌دانند و از این مناسبات بی‌اطلاع هستند.

— نکته پایانی این است تکلیف سیاستمداران نظام جمهوری اسلامی با چنین نظامی که هیچ تجانسی بین آن نظام و نظام انقلاب ایران وجود نداشته چیست؟

یکی دو سال پیش یکی از دوستان از بی‌بی‌سی مقاله‌ای برای من فرستاد، گفت آقا شما چرا جواب این مقالات را نمی‌دهید؟ مقاله را خواندم. آنقدر این مقاله سبک بود که من خنده‌ام گرفت. به خودم گفتم خدایا اینان چطور این همه پول را خرج اینها می‌کنند؟ بعد دیدم نه، مقاله بیراه نیست. آنان بر بی‌اطلاعی مخاطب ایرانی سرمایه‌گذاری می‌کنند. جوهره این نظریه این بود که نظام سوریه نظام اسلامی نیست، نظام مردمی نیست، با اسرائیل مذاکره کرده... و رژیم ایران آمده با نظامی که اینگونه

است وارد ائتلاف شده. این نمی‌داند اینها اگر روابطشان با آمریکا و اسرائیل خوب شود چه خواهند کرد، یعنی ببینید که سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی یک مشت آدم نادانی هستند که هیچ چیز را نمی‌دانند و از این مناسبات بی‌اطلاع هستند.

تلگراف‌های مکرری سفارتخانه‌های ما در دهه ۸۰ و ۹۰ دارند که درباره ذاکرات سوریه و آمریکا تعیین تکلیف می‌کنند که اینها به هر حال دارند وارد مذاکره می‌شوند و اگر این مذاکره به موفقیت برسد، منجر به کاهش نفوذ ما می‌شود و... تمام این چیزهایی

گفته می‌شود در اسناد موجود است. مشکل این است که جمهوری اسلامی هیچگاه احساس نکرده که چیزی به نام افکار عمومی مهم است و باید با مردمش صحبت کند. اگر خودش محدودیت دارد، می‌تواند این را به پژوهشگران مستقل بدهد، می‌تواند این را به طیفی از پژوهشگران غیررسمی و رسانه‌های غیررسمی بدهد و آنان این مسائل را مطرح کنند پس از ۲۵-۳۰ سال، بی‌بی‌سی آمده مطلب‌های آن داخل تلگراف راه سخنانی که سفیر یا کاردار ما در آنجا گفته و کارشناس سیاسی ما اینها را به تهران منتقل می‌کند، در فضای رسانه‌ای تعیین تکلیف می‌کند که در فضای سیاسی باید چه بکنیم؛ یا مثلاً همین آقای عبدالحلیم در خاطرات خود مذاکراتش با ایرانی‌ها در خصوص مذاکرات سوریه و آمریکا را منتشر کرده. یعنی هیئت‌ها بعد از مذاکرات می‌نشینند و مفصل مطرح می‌کنند که شما چه گفتید و ایشان چی گفتند و ماجرا چه بود و می‌خواهید چه کار کنید و وضعیت چیست و... من یکی دو ماه پیش در ترکیه بودم. جلسه‌ای بود با این عرب‌های منتقد و بعضاً معارض ایرانی. آنجا هم همین را گفتم. گفتم شما تصور کنید یک نظام سیاسی بعد از ۴۳ سال با این حجم از دشمنی به هر حال خودش را به اینجا کشانده. یک جو عقلی برای مسئولان در ایران در نظر بگیرید که حداقل از این مسائل مطلع بوده‌اند. در نشریه صفر سپاه پاسداران، نشریه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۰ مهر ماه ۱۳۶۰، درباره مسئله حما و ممنوعیت حجاب و درباره مسئله نقش سوریه در ایجاد مشکلات در مقابل مقاومت در لبنان تحلیل مفصل آورده. این نشریه تحلیل‌ها و رویدادها که برای عناصر معمولی سپاه نوشته می‌شود، این مطالب در چهارم یا هفتم مهر ماه ۱۳۶۰ موجود است.

— پس نظام انقلابی ایران دقیقاً از ماهیت نظام سوریه کاملاً آگاه بوده. این را با پوست و گوشت و استخوان لمس کرده. چون مثلاً در یک جایی که نظام سوریه روابطش خوب می‌شود با آمریکا و مذاکرات پیش می‌رود، بلافاصله پادگان سپاه زبانی را تعطیل می‌کند، حتی با سفر بعدی آیت‌الله خامنه‌ای به سوریه، این پادگان بازگشایی نمی‌شود. یا مثلاً در جایی برخی از این پاسداران رفته بودند یک شوخی کرده‌بودند با مجسمه آقای حافظ اسد و رفته‌بودند بالای کول مجسمه و عکس گرفته بودند. این یک جنجال عظیم در دستگاه‌های امنیتی سوریه ایجاد کرده‌بود که به قائد خالد آقای حافظ اسد توهین کرده‌اید. پاسداران را اخراج کردند؛ این را آقای حافظ اسد خندیده‌بود، گفته‌بود خوب روی کول من که نیامده، رفته‌اند روی کول مجسمه عکس گرفته‌اند.

من قبول دارم روابط ایران و سوریه روابط شکننده‌ای بوده از ابتدا تا همین امروز. چرا؟ چون هر دو طرف ضعیف اند. هر دو طرف در هیچ کدام از ابعاد و مؤلفه‌های قدرت قوی نیستند. ببینید، آمریکایی‌ها به راحتی متحد خودشان را تخریب می‌کنند، مسخره می‌کنند. اما چون آن متحد نیاز اقتصادی



دارد، نیاز سیاسی دارد در شورای امنیت و جاهای دیگر، لام تا کام نمی‌تواند چیزی بگوید. این بسیار فرق دارد با روابط شکننده ایران با سوریه و عراق و جاهای دیگر که دائماً نیاز به ترمیم و مراقبت دارد. خب من این را می‌فهمم؛ اما آقای جمهوری اسلامی تو باید این حقایق را که می‌دانی، لاقلاً از زبان افرادی که سخنگوی تو نیستند به مردم منتقل کنی، و الا رسانه‌ای مثل بی‌بی‌سی مقاله‌ای بسیار سخیف می‌نویسد. اینها ابتدایی‌ترین مسائل سوریه است، مطلب‌هایی که برای پژوهشگران سوریه بسیار خنده‌دار است. ولی این حرف‌ها در میان مردم می‌گیرد.

— خب؛ سؤال این است که اگر دو نظام این اندازه عدم تجانس و اختلاف دارند، پس چطور در این سال‌ها با هم جلو رفته‌اند و کار کرده‌اند؟ چرا جمهوری اسلامی کار کرد؟ همه سخن این است که هیچ عقلی سیاسی و امنیتی با توجه به آن اضطرارهایی که کف میدان وجود دارد (که عرض کردم نسبت به خود ایران، مسئله جنگ، مسئله اسرائیل، مسئله زوا در محیطی عربی که کاملاً متخاصم هست) نمی‌پذیرد چون این متحد نیم‌بند است و یکی به نعل می‌زند و یکی به میخ، ما این را رها کنیم و تنهایی در وسط معرکه بایستیم.

اتفاقاً تجربه نشان داد که پاسداری از این روابط و صبوری در برابر آن کژخلفی‌های حرس قدیم در نظام سوریه، در بلندمدت بعد از گذشت بیست و اندی سال منجر به این شد که روابط بین ایران و سوریه ارتقا پیدا کند و وارد حوزه راهبردی شود. نتیجه‌اش این شد: خروج اسرائیل از لبنان، مهار اسرائیل در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی، پیوند ایران با یک کشور عرب منطقه‌ای و خروجش از این انزوا و تهمت جنگ عرب و فارس، نقشش در مهار صدام حسین در دهه ۸۰ و ۹۰، تقابلیش با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر. این روابط با همه شکنندگی و چالش‌هایی که بین این دو نظام در این سال‌ها وجود داشت، برکات فراوانی داشت. هیچ عقلی نمی‌پذیرد چون روابط دچار چالش است، ما این روابط را قطع کنیم.

— گفتید که رابطه ایران و سوریه در دهه ۶۰ شمسی در زمان حافظ اسد، بر خلاف ادعاها هرگز اتحاد استراتژیک نبود. این نگاه شما هم‌اکنون پس از این مبارزه مشترک، رابطه ایران و سوریه اتحادی استراتژیک است؟

همچنان روابط ایران و سوریه براساس مصالح مشترک است تا تجانس اعتقادی یا وابستگی و همبستگی‌های اقتصادی. این است که رابطه را استراتژیک می‌کند و چون این دو وجود ندارد، پس رابطه کاملاً براساس مصالح مشترک است. ولی هیچ اشکالی ندارد که مصالح مشترکی باشد و روابط چندین دهه ادامه پیدا کند و حتی عمیقتر باشد نسبت به کشورهای دیگری که شاید با ما متجانس‌تر باشند ولی به هر دلیلی روابط مانا و مستمر با آنها نداریم.



مقابله با بنگاه‌های غیرمجاز

اقبال شاکری-بیگی نژاد

برنامه «بدون خط‌خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص امپراطوری املاکی‌ها در ایران با اقبال شاکری کارشناس اقتصاد مسکن و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و داود بیگی نژاد رئیس اتحادیه املاک به‌صورت تلفنی گفتگو کرد.

اقبال شاکری با اشاره به قوانینی که در حوزه سازماندهی بازار مسکن به تصویب مجلس رسیده است، گفت: آخرین قانونی که در مجلس یازدهم تصویب شد، قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره بود که یکی از پیشرفته‌ترین قوانین در این حوزه است.

وی از ساماندهی مشاورین املاک در قانون مذکور گفت و بیان کرد: یکی از بندهای قانون این بود که دریافت کارمزد املاکی‌ها از مبلغ معامله جدا شود و ضوابطی برای آن پیش‌بینی شده است. تا پیش از آن، مشاورین املاک از معاملات کمیسیون دریافت می‌کردند و چون با مبلغ اجاره‌بها و فروش مسکن مرتبط بود، باعث تعارض منافع می‌شود.

این کارشناس اقتصاد مسکن در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با تأکید بر اینکه طبق قانون باید تمام معاملات در سامانه املاک و اسکان ثبت شود، اظهار کرد: معاملاتی که در این سامانه ثبت نشود و یا مبالغی افزون بر قیمت عرف و قانونی گرفته شود، جریمه‌های مالی و همچنین تعطیلی موقت یا دائم املاکی در نظر گرفته شده است.

وی ضمن تقدیر از اتحادیه املاک به دلیل همکاری با وزارت مسکن در ساماندهی مشاورین املاک و بازار مسکن تأکید کرد: مشاورین املاک باید در حوزه ساماندهی بنگاه‌های معاملات ملکی فعال‌تر شوند تا بنگاه‌های غیرمجاز بسته شوند. فقط در منطقه پردیس، چند صد بنگاه غیرمجاز داریم که با همکاری اتحادیه بسته شدند.

شاکری تصریح کرد: بنگاه‌های غیرمجاز عامل دلالی و بدنامی بنگاه‌های قانونی مجوزدار هستند و با خرید مسکن مهر، ملی و حمایتی موجبات افزایش قیمت خانه را در بخش‌های مختلف فراهم کردند.

بیگی نژاد با اشاره به قوانینی که در مجلس شورای اسلامی در حوزه مسکن به تصویب رسیده است، عنوان کرد: قانون جهش تولید مسکن و قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره در مجلس به تصویب رسیده است. وی به بندی از قانون ساماندهی بازار مسکن اشاره و بیان کرد: در قانون مذکور مبلغ دستمزد مشاورین املاک از نرخ واقعی جدا شود و این مدل، در هیچ کجا از دنیا تجربه نشده است. این ادعا که اگر دستمزد مشاور املاک بر اساس قیمت واقعی معامله باشد، تعارض منافع ایجاد و موجب افزایش قیمت می‌شود.

رئیس اتحادیه املاک افزود: مدت زیادی است که بازار مسکن دچار رکود است و مشاورین املاک نمی‌توانند دستمزد دریافت کنند و از سوی دیگر اتفاق مثبتی در نرخ اجاره‌بها و قیمت مسکن رخ نداده است.

وی از چالش‌ها و مشکلات مشاورین املاک گفت و بیان کرد: مشاورین، هیچ بیمه‌ای ندارند و سازمانی هم وجود ندارد که از آنها حمایت کند تا در صورت بیکاری و عدم درآمد، بیمه بیکاری شامل آنها شود.

بیگی نژاد تصریح کرد: در قانون‌گذاری و نگارش آئین‌نامه‌ها، هر مقدار که از فضای واقعی دور شویم، به همان نسبت، در اکوسیستم اقتصاد مسکن دچار مشکل مواجه می‌شویم. گواه سخنانم، قانون پیش‌فروش است که در ابتدای دهه ۹۰ تصویب شد و عملاً زنجیر اتصال بین مالکین و سازندگان را در بافت‌های فرسوده و کم‌برخوردار از منابع قطع شد. نتیجه قانون مذکور، شکست بازار مسکن بود و عملاً از سال ۹۲ به بعد هیچ اتفاقی در حوزه بافت‌های فرسوده رخ نداده است.

چرا دولت افسار ارز را رها کرده است؟ دلیل افزایش قیمت دلار در بازار چیست؟



عامل مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاست پولی است.

■ ضرورت مدیریت و کنترل انتظارات تورمی

مطالعات مختلف نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران به اخبار بد بیش از حد واکنش نشان می‌دهند. به زبان ساده، اگر رشد قیمت ارز تنها ۲ درصد باشد، انتظارات تورمی ناشی از آن احتمال دارد به ۱۰ درصد نیز برسد. به همین دلیل همواره مدیران اقتصادی بانک‌های مرکزی جهان تلاش می‌کنند از بروز انتظارات تورمی جلوگیری کنند. در همین راستا بارها روسای فدرال رزرو آمریکا بعد از جلسات

مهم با خبرنگاران مصاحبه نمی‌کنند یا حتی در صورتی که مجبور باشند، اطلاعات مبهم ارائه می‌دهند تا انتظارات تورمی ایجاد نکند.

اما چند وقت پیش وزیر اقتصاد با این استدلال که قیمت ارز نیمایی در ایران منجر به بروز رانت می‌شود، اعلام کرد: «قیمت ارز نیمایی در محدوده ۴۰ هزار تومان برای واردات تخصیص می‌یابد، اما کالاهای وارداتی با ارز حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان در بازار به گردش درمی‌آید. همچنین به نسبت تورم در ایران و آمریکا که حدود ۲.۸ است، قیمت دلار در ایران به نسبت نرخ دلار ۲ سال پیش باید در محدوده ۷۳ هزار تومان در بازار معامله شود». این سخنان وزیر اقتصاد باعث شد قیمت دلار که در زمان مصاحبه ۷۷ هزار تومان بود به یک‌باره به محدوده ۷۹ هزار تومان برسد. هرچند بانک مرکزی از روزهای قبل عرضه ارز در بازار داخلی و حتی بازارهای دویبی و سلیمانیه عراق را برای کنترل نرخ ارز بازار آزاد تشدید کرده بود.

این مساله نشان داد که بازار ارز آزاد بشدت تحت تاثیر سیاست‌های کلان دولت در بازار ارز آزاد است، اما وزیر اقتصاد یا نسبت به حساسیت بازارهای مالی به سخنان مقامات مطلع نیست یا اینکه واکنش بازار برای او اهمیت چندانی ندارد، چرا که تصورش این است که واقعیشدن نرخ ارز در بازار به نفع صادرکنندگان است و هرچقدر قیمت ارز بالا برود، درآمد ارزی کشور نیز بیشتر می‌شود در حالی که هیچ‌گاه فاصله بین قیمت ارز توافقی و بازار آزاد به هم نمی‌رسد. به عبارت دیگر، هر چقدر قیمت ارز در بازار توافقی بیشتر شود به همان نسبت قیمت دلار بازار آزاد نیز بیشتر می‌شود.

در چند وقت اخیر زمانی که قیمت ارز در بازار توافقی حدود ۶۰ هزار تومان بود، قیمت دلار در بازار آزاد در محدوده ۷۵ هزار تومان معامله می‌شد. حال که قیمت دلار در بازار توافقی به سطح ۶۴ هزار تومان رسیده، قیمت دلار بازار آزاد به محدوده ۸۰ هزار تومان نزدیک شده است. این همان مشکلی بود که پیش از این بارها در گزارش‌های مختلف به وزیر اقتصاد گوشزد شد، اما وزارت اقتصاد تلاش کرد با جوابیه‌های مختلف نسبت به این موضوع بی‌توجه باشد.

دورزدن تحریم‌ها با استفاده از ارزهای دیجیتال

آنتون سیلوانوف

یک نوآوری در سیستم پرداخت‌های بین‌المللی است.

این مقام روسیه اعلام کرده است که طبق رژیم قانونی آزمایشی خود که در سپتامبر ۲۰۲۴ به اجرا درآمد، آزاد است از دارایی‌های مالی دیجیتال (از جمله بیت کوین) در تجارت خارجی استفاده کند. وزیر دارایی اشاره کرد که روسیه در اوایل سال جاری استخراج ارزهای دیجیتال را قانونی کرده است. وی افزود: به همین دلیل است که چنین معاملاتی در حال انجام است. ما معتقدیم که باید این حوزه را توسعه و گسترش داد و مطمئن هستیم که سال آینده به واقعیت تبدیل خواهد شد.

■ استفاده از ارز دیجیتال به عنوان وسیله پرداخت در داخل روسیه ممنوع است

اطهارات اخیر سیلوانوف در مورد دارایی‌های مالی غیرمتمرکز (DFA) و بیت کوین، چند هفته پس از آن صورت می‌گیرد که وزیر دارایی در ماه نوامبر از عموم مردم خواست از سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال خودداری کنند. آقای وزیر در سخنرانی خود در یک رویداد آموزشی محلی در تاریخ ۶ نوامبر اظهار داشت: برخی افراد ارزهای دیجیتال را به عنوان منبع درآمد سریع می‌بینند. من آن را به عنوان وسیله‌ای برای سرمایه‌گذاری توصیه نمی‌کنم. امروزه راه‌های زیادی برای سرمایه‌گذاری و کسب



درآمد خوب وجود دارد.

در زمان هشدار سیلوانوف، بیت کوین به بالاترین سطح تاریخی خود بالاتر از ۷۶۰۰۰ دلار رسیده بود و به سمت مرز تاریخی ۱۰۰۰۰۰ دلار در حرکت بود که حدود ۳۰ روز بعد از آن شکسته شد. روسیه در سال ۲۰۲۱، بیت کوین را به عنوان یک دارایی مالی دیجیتال به رسمیت شناخت. نمودار قیمت بیت کوین در سه ماه گذشته در شکل زیر آمده است: این رسمیت بخشی در قالب قانون درباره دارایی‌های مالی دیجیتال صورت گرفت. در حالی که این قانون به دارایی‌های مالی دیجیتال (DFA) وضعیت قانونی اعطا کرد، اما استفاده از آن‌ها به عنوان وسیله پرداخت در داخل کشور را ممنوع کرد.

افزایش قیمت ارز به حوالی ۸۰ هزار تومان و به تبع آن افزایش قیمت طلا و ایجاد تورم شدید در بازار ضرورت مدیریت این فضا را می‌رساند. کاهش ۳۰ درصدی ارزش پول ملی از زمان روی کار آمدن دولت چهاردهم نشان‌دهنده عدم کارایی سیاست بازار توافقی ارز است که پیشتر وزیر اقتصاد در زمان راه‌اندازی بازار توافقی ارز اعلام کرده بود این بازار قیمت ارز بازار آزاد را تعدیل خواهد کرد.

همچنین وزیر اقتصاد در ۱۵ آذر ۱۴۰۳ نیز اعلام کرد: «دولت تصمیمی بر افزایش گرانی و افزایش قیمت‌ها ندارد. همچنین دلار بازار آزاد ارتباطی به دولت ندارد و به دلیل تنش‌های منطقه‌ای و شرایط منطقه قیمت دلار بازار آزاد و انتظار روانی افزایش یافته است». درام موضوع تنش‌های نظامی در سوریه مطرح بود و بسیاری این استدلال را که رشد قیمت ارز ناشی از تنش جنگ در خاورمیانه است پذیرفتند. هرچند آن زمان تازه دلار وارد کانال ۷۱ هزار تومان شده بود و تقریباً ۱۵ درصد کمتر از قیمت آن در بازار آزاد بود. حالا سوال اساسی از وزیر اقتصاد این است: چرا بعد از اینکه تنش‌های نظامی در لبنان، سوریه و... کاهش یافته، به جای اینکه قیمت دلار در بازار کاهش یابد همچنان روندی صعودی دارد؟ در ۲۶ آذرماه که قیمت دلار در محدوده ۷۵ هزار تومان در بازار آزاد معامله می‌شد، بازار ارز توافقی راه‌اندازی شد. در این بازار قیمت دلار حدود ۶۰ هزار تومان کشف قیمت شد. در همان زمان بسیاری از کارشناسان اقتصادی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی تأکید کردند که بازار ارز توافقی به رشد قیمت دلار در بازار آزاد منجر می‌شود.

اما رشد قیمت ارز در ادامه به بازارهای کالایی نیز کشید. هرچند قبلاً مسؤولان دولتی بارها تأکید کردند بازار ارز آزاد ارتباطی به دولت ندارد و بر مبنای یک منطق اقتصادی قیمت‌گذاری نمی‌شود، اما این استدلال باعث نشده بازار ارز آزاد روی بازار کالایی تأثیر نگذارد. به همین دلیل در بازارهای سرمایه‌ای و کالایی شاهد رشد تورم هستیم. این مساله به دلیل انتظار سرمایه‌گذاران برای بروز شوک تورمی جدید در نتیجه رشد قیمت بازار آزاد است. در حال حاضر ارز از ۶۰ هزار تومان به ۸۰ هزار تومان رسیده که نزدیک به ۳۰ درصد رشد داشته است.

انتظارات تورمی باعث می‌شود مردم گمان کنند قیمت‌ها در آینده دوباره افزایش خواهد یافت. این مساله به خودی خود باعث می‌شود پیش‌بینی افزایش قیمت کالا را داشته باشند و به دنبال تبدیل هرچه بیشتر وجه نقد خود به دیگر دارایی‌ها باشند و به عبارتی خریدهای خود را به تأخیر نیندازند. این رشد تقاضا برای خرید کالاهای سرمایه‌ای عرضه و تقاضا را به هم می‌ریزد. در نتیجه روند بازار میل به صعود پیدا می‌کند، اما آیا این مساله تنها بازار مصرف و خرید کالا را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟

به طور قطع رشد قیمت دلار منجر به گرانی مواد اولیه و تجهیزات وارداتی نیز می‌شود. این موضوع به طور قطع کسب‌وکارها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آنها برای جبران هزینه‌ها قیمت‌های خود را افزایش می‌دهند تا دستمزد و تقاضای بالاتر را برآورده کنند. این عوامل در صورتی که بخوبی مدیریت نشود، باعث افزایش تورم واقعی می‌شود. به همین دلیل انتظارات تورمی

آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه، استفاده از بیت کوین و سایر دارایی‌های مالی دیجیتال در تجارت خارجی کشورش را از نظر قانونی مجاز اعلام کرد. به گفته این مقام ارشد دولتی، روسیه در راستای قوانین داخلی خود، به طور فعال در حال آزمایش دارایی‌های مالی دیجیتال (DFA) در تجارت خارجی است.

■ روسیه به سمت ارزهای دیجیتال برای دور زدن تحریم‌ها

آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه، در تاریخ ۲۵ دسامبر در مصاحبه‌ای با شبکه خبری دولتی روسیه ۲۴، درباره جایگزین‌های دلار آمریکا در تجارت بین‌الملل صحبت کرد. سیلوانوف اعلام کرد که دولت روسیه قانونی را تصویب کرده است که به تجارت خارجی با استفاده از دارایی‌های دیجیتال و بیت‌کوین اجازه می‌دهد. به گفته وزیر، چنین معاملات تجاری خارجی قبلاً نیز انجام شده است و روسیه قصد دارد آن را توسعه و گسترش دهد.

سیلوانوف در این مصاحبه گفت که در شرایط فعلی، اجرای سازوکارهای مالی دیجیتال (DFAs) در تجارت خارجی به عنوان جایگزینی برای دلار آمریکا کاملاً قابل درک است زیرا امکان استفاده از زیرساخت‌های مدرن را فراهم می‌کند. این

جایزه ادبی جلال آل احمد می‌تواند در موقعیت حل کردن مسائل فرهنگ، هویت و اندیشه قرار گیرد

حمیدرضا شعیری



حمیدرضا شعیری؛ نظریه‌پرداز حوزه فرهنگ و از داوران ادوار جایزه ادبی جلال آل احمد به روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران گفت: جایزه ادبی جلال آل احمد می‌تواند به ما کمک کند تا مسیر اندیشه را متمرکز و با پراکندگی بیش از حد به یکپارچگی نزدیک کنیم. همچنین این جایزه می‌تواند اندیشه را جهت‌دار کند. یعنی به مرور زمان، آثار در راستای یک اندیشه و تفکر متمرکز به بخش‌های جایزه فرستاده می‌شوند و این یعنی یک منطبق پژوهشی در آن برای ما وجود دارد.

وی افزود: همچنین آثار در طول زمان باید به سمت توسعه کیفی بروند، چرا که در معرض داوری قرار می‌گیرند و چون داوری می‌شوند و نقاط قوت و ضعف آثار مشخص می‌شود، نویسندگان بعدی در ادامه تلاش خواهند کرد تا به فکر توسعه کیفی آثار خودشان باشند. بنابراین توسعه فرهنگ، اندیشه و علم از فوایدیست که جایزه ادبی جلال آل احمد می‌تواند داشته باشد.

شعیری ادامه داد: من در دوره‌هایی از این جایزه در شورای ارزیابی حضور داشتم. در آن دوران ما به نکاتی رسیدیم که می‌توانم آن را به طور خلاصه بگویم. نکات در این باب بودند که ما چه ملاک‌هایی داشتیم و بر اساس آنها چگونه نظام ارزیابی را در مورد آثار ارائه شده پیش بردیم؟ ملاک‌های ما به تعمیم پذیری نرفته در آثار بازمی‌گشت. تعمیم‌پذیری یعنی اینکه آیا آثار توانسته‌اند به الگوهایی برسند که بر مبنای آنها بتوانند اندیشه بهتر فکر کردن یا اندیشه بهتر نوشتن یا اندیشه توسعه فرهنگ را ملاک قرار دهند و در ادامه گسترش آن را در نظر داشته باشند؟ این گسترش و تعمیم را به این دلیل بحث می‌کنم که ما از جامعه به دانشگاه و از دانشگاه به جامعه حرکت کردیم؛ یعنی هم ملاک‌مان کارهای دانشگاهی بود و هم پژوهش‌هایی که خارج از دانشگاه شکل گرفتند و این همان تعمیم است. یعنی ما تلاشمان این بود که گستره اجتماعی، فرهنگی و علمی که می‌شود بستر دانشگاهی با نگاهی علمی و اندیشه‌ای را با بستر جامعه و نگاه علمی و فرهنگی به این بستر، نزدیک کنیم.

داوران جایزه ادبی جلال آل احمد و تعامل بین دانشگاه و جامعه داور ادوار جایزه ادبی جلال آل احمد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این نکته که داوران جایزه جلال آل احمد تلاش کردند تا رابطه و تعامل بین دانشگاه و جامعه را برقرار کنند، گفت: این را که ما چقدر در این زمینه موفق بودیم، مخاطبان داوری‌ها می‌توانند مورد ارزیابی قرار بدهند و کلامی است که در طول زمان مشخص خواهد شد. نکته بعدی بحث تجدیدپذیری است. یعنی نگاه ما این بود که آثاری که به این جایزه ارائه می‌شوند، چگونه می‌توانند سکان فرهنگ را منتقل کنند یا چگونه می‌توانند در انتقال سکان فرهنگ به دیگران نقش داشته باشند. ما همیشه می‌گوییم آثار فرهنگی سکان راندن کشتی فرهنگ را تحویل می‌گیرند و آن را تحت مدیریت خودشان قرار می‌دهند و سپس با گذر زمان آن را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند. دغدغه ما این بود که آثار راه یافته به جایزه ادبی جلال آل احمد تا چه میزان این قابلیت را دارند و چگونه می‌توانند سکان فرهنگی را آن گونه که دریافت کردند، در انتقال مفید باشند. اگر اهمیت این انتقال مورد نظر قرار گیرد، آنگاه تجدیدپذیری ممکن شده است.

شعیری درباره دیگر ویژگی‌های داوری‌های خود در جایزه ادبی جلال آل احمد، اشاره کرد: «ترمیم‌پذیری» نیز از نکات مورد توجه من و سایر داوران همکار من در ادواری از جایزه ادبی جلال آل احمد بود. ما می‌دانیم که جوامع درون بافت و ساختار خودشان با مشکلات و مسائلی از جمله مسائل فرهنگی، مسائل جوانان، مسائل زنان و مردان، مسائل آموزشی و پژوهشی، مسائل اقتصادی،



منتظر چند پدیده جوان باشید

منیر قیدی

■ جشنواره فجر به دوران اوج خود برمی‌گردد

منیر قیدی کارگردان و عضو هیات انتخاب چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر: در چند سال اخیر و به دلایل مختلف جشنواره فیلم فجر از دوران اوج خود فاصله گرفته بود که همگی نسبت به آن واقف هستیم. زمانی که این مسئولیت به من پیشنهاد شد، درباره کیفیت فیلم‌ها و جشنواره دچار تردید بودم.

اما اکنون که حدود نیمی از فیلم‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، تغییری اساسی در نگاه اولیه من ایجاد شده است و به علاقه‌مندان سینما و سینماگران این نوید را می‌دهم که به لحاظ موضوعی، کیفیت و سبک فیلم‌ها، جشنواره بسیار متنوعی نسبت به سال‌های قبل خواهیم داشت.

همچنین از نظر معرفی استعدادهای تازه می‌توانیم در این دوره شاهد چند پدیده جوان باشیم.

بینندگان «شام ایرانی» از «بفرمایید شام» بیشتر بود



سعید ابوطالب تهیه‌کننده «شام ایرانی»: بیش از دوسوم مخاطبان پلتفرم، «شام ایرانی» را می‌بینند. شام ایرانی سبقه خوبی دارد و نمونه خارجی هم دارد. دو، سه سال پیش هم مخاطبان شام ایرانی از «بفرمایید شام» خارجی بیشتر بود؛ هم به این دلیل که هنرمندان در برنامه حضور داشتند و هم اینکه یک برنامه کاملاً اخلاقی است و اعضای خانواده در کنار هم می‌توانند آن را ببینند.

ما هیچوقت ریسک نمی‌کنیم که شام ایرانی را با مردم عادی بسازیم. مخاطب ترجیح می‌دهد سلبریتی‌ها مقابل دوربین باشند. تصور من این است که مخاطب دوست دارد بداند این خانم در خانه چگونه آشپزی می‌کند. بازیگر هر چه معروف‌تر، دعوت‌کردنش سخت‌تر است. همه بازیگران این قسمت با کلی مکافات آمدند اما دامنه مخاطب با حضور مردم عادی اندک است.

در جامعه ایران اشاره کنیم. نمی‌توان جایگاه جایزه جلال را نسبت به همه جوایز ادبی دیگر بررسی کرد و به آن نمره داد. بحث اصلا نمره دادن و کمیت گذاری نیست. بحث این است که اصلا خود جایزه چیست؟

وی افزود: جایزه نماد است. جایزه خود به خود فقط بحث ارزش‌گذاری کمی ندارد که ما جوایز را اهدا کنیم و بگوییم که حال یک جایزه ادبی داریم. جایزه هدفش رونق دادن، توسعه بخشیدن و گسترش فرهنگ، علم، اندیشه، ادبیات و نقد ادبی است. آنچه را که ما به دنبالش بودیم و هدف گذاری کردیم برای جایزه جلال به عنوان یک جایگاه، جلوگیری از هرز رفتن سرمایه‌های معنوی و حتی مادی بوده است. آثار زیادی که هر سال به صورت کتاب روانه بازار اندیشه می‌شود، برای جامعه هزینه دارد و این هزینه‌ها بویژه در حوزه کاغذ هم مادی و هم معنوی‌اش بسیارند، چرا که برای تولید کاغذ سرمایه چند نسل را مورد استفاده قرار می‌دهیم. حالا اگر این سرمایه هرز برود و نتواند به اندازه کافی روی جامعه اثرگذار باشد، ما این سوال را مطرح می‌کنیم که این آثار چه فایده‌ای برای جامعه دارند؟

شعیری در ادامه با اشاره به این نکته که به عنوان داور جایزه ادبی جلال آل احمد هدفش این بود که به دنبال میزان و نوع اثرگذاری کتاب‌های حاضر در این جایزه باشد، گفت: اگر قرار است این کتاب‌ها اثر آفرین باشند، باید این اثر آفرینی در حوزه‌های اندیشه، فرهنگ، علم و روابط بین انسان‌ها باشد و باعث شود تا روابط بین انسان‌ها بهبود یابد، چرا که یکی از کارهای مهم ادبیات در همین نکته نهفته است. بنابراین آثار باید کنش آفرین باشند و تولید کنش‌های اجتماعی و فرهنگی کنند. اینجا سوال این است که حال آیا در جایگاهی که ما برای آثار قائل بودیم این اتفاق افتاده است یا خیر؟ نمی‌توانم بگویم که این اتفاق صددرصد رخ داده و محقق شده است، ولی می‌توانم بگویم که هر چه ما جلوتر می‌رویم، نحوه اندیشه و تفکری که در آثار مشاهده می‌شود این است که در بستر یا درون حرکت خودشان، خودشان را باز آفرینی کرده‌اند.

نویسنده کتاب «شانه - معناشناسی ادبیات» ادامه داد: ما متوجه این نکته مهم شدیم که آثار به مرور زمان به دلیل آنکه در معرض مقایسه قرار می‌گیرند، در این روند نتوانسته‌اند خودشان را بازیابی و بنابراین متمایز از آثار قبلی کنند، چرا که نویسندگان می‌دانند که در بستر مقایسه و در بستر رقابت قرار می‌گیرند. این نوع نگاه - یعنی نگاهی که آثار خودشان را پیدا و بازیابی کنند و در معرض نوآوری قرار بدهند - در جایزه ادبی جلال آل احمد به مرور اتفاق افتاد و به نظر من اکنون نیز در حال رشد و توسعه است.

■ جایزه جلال و حل چالش‌های نسل‌ها

نویسنده کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان» در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ارزش‌هایی که جایزه ادبی جلال آل احمد می‌تواند پیش‌برده، اشاره کرد و ادامه داد: در یک جمع بندی می‌توانم بگویم که اگر جایزه ادبی جلال آل احمد، خوب در مسیر خودش پیش‌برده و اگر نگاه واقعا پژوهش‌گرایانه‌ای به ادبیات داشته باشد، می‌تواند در موقعیت حل کردن مسائل فرهنگ، هویت، اندیشه و حل کردن چالش‌های نسل‌ها قرار گیرد و مسائل درونی جامعه ایران را حل کند. با تمام این اوصاف، هنوز هم در حرکت‌های بین‌المللی در حوزه ادبیات جای کار داریم.

وی اضافه کرد: یکی از نقدهای من این است که در مسیر بین‌المللی شدن هنوز ضعف داریم و کار شایسته‌ای انجام نداده‌ایم. حتی هنوز نتوانسته‌ایم قدم‌های خوبی را برداریم. بنابراین باید در این مسیر کار کنیم. یکی از نقدهای من به جایزه جلال این است که هنوز ما یک دسته‌بندی خوب و کاملی از آثار نداریم و طبق دسته‌بندی موجود آثار را دریافت می‌کنیم و این دسته‌بندی محدود است. به نظر من باید درون ادبیات، مستندنگاری و نقد ادبی دسته‌بندی‌های بهتر و بیشتری داشته باشیم و این باعث می‌شود تا آثار هدفمندتر به دبیرخانه این جایزه برسند. در حوزه مستندنگاری آثار یا کم ربطند یا زیاد دارند. ما در حوزه ادبیات داستانی باید بتوانیم رمان را از داستان بلند و داستان کوتاه را از داستان کوتاه جدا کنیم. در بحث نقد ادبی نیز باید بتوانیم نقدهای متفاوت را با نگرش‌های متفاوت دسته‌بندی کنیم. این دسته‌بندی باعث می‌شود تا دقت بیشتری به وجود آید. هدفمندی در رسیدن آثار به دبیرخانه، داوران و شورای ارزیابی نیز کارشان راحت‌تر و دقیق‌تر خواهد شد.

مسائل سیاسی و... روبه‌رو هستند و ادبیات یا نوشتار امروز به ویژه در بحث‌ها و بخش‌هایی مثل مستندسازی یا مستندنگاری، روایت پردازی و گفتمان تلاش می‌کند تا بتواند واقعیت‌هایی از جامعه را انعکاس بدهد. اصلا روایت انعکاس جامعه، انعکاس رنج‌های جامعه و خوشی‌های جامعه است. مستندنگاری قرار است که آنچه را که در بافتار جامعه جاریست، دریافت کند و واقعیت‌های درون جامعه را حالا چه این واقعیت‌ها مربوط به گذشته دورتر و چه مربوط به گذشته نزدیک‌تر و چه مربوط به زمان حال باشد، درون بستر اندیشه قرار بدهد و منتقل کند به نسل‌ها. حالا این روند زمانی فایده دارد که بتواند ترمیم دهد آنچه را که در درون جامعه به آن نقصان، خلل و یا اختلال هویتی می‌گویند.

این عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس مسئله «هویت» را یکی از مسائل همیشه مورد آسیب در جوامع خواند و ادامه داد: سوال این است که آیا مستند نگاری، روایت پردازی و نقد ادبی توانسته‌اند این دردها را آرام و تسکین دهند؟ یا اینکه آیا توانسته‌اند مسکنی برای این دردها باشند؟ بحث هیات داوران دوره‌هایی که من هم در آن حضور داشتم این بود که آیا آثار پذیرفته شده در جایزه ادبی جلال آل احمد نتوانسته‌اند این تسکین را ایجاد کنند؟ به اعتقاد ما، اگر این کار را کرده‌اند، پس در مسیر ترمین پذیری بوده‌اند.

■ جایزه جلال و درمان هویت‌های زخمی

مترجم کتاب «تقصان معنا» اثر ال‌زیرداس ژولین گرمس اضافه کرد: نکته بعدی از ویژگی‌ها مولفه «برگشت پذیری» است. منظورم از «برگشت پذیری» که ما هیات داوران دوره‌های مختلفی از جایزه ادبی جلال آل احمد مدنظرمان بود، این است که آثار انعکاس صدای جامعه یا انعکاس صدای بخش‌هایی از جامعه باشند. اینکه اثر ادبی یا کتاب حوزه نقد ادبی نتوانسته صدای جامعه یا صدای نسل‌ها باشد؟ در حوزه‌های مستندنگاری، روایت پردازی و نقد ادبی به این مورد خیلی توجه داشتیم. مسئله دیگر مدنظر ما «هویت» بود. ما دقت می‌کردیم تا متوجه شویم که آثار دریافتی آیا در مسیر هویت‌سازی بوده‌اند یا خیر؟ به هر حال چه رمان‌ها، چه آثار ادبی دیگر و چه نقد ادبی و مستندسازی، از هر زاویه‌ای که به آنها بپردازیم باید بتوانند یا هویت‌سازی کنند و یا اینکه هویت‌های مجروح و زخمی را درمان کنند. یعنی ما دو مسیر داریم یکی هویت‌سازی و تولید هویت در آثار ادبی است و دیگری درمان هویت‌های زخمی و بر این اساس یکی از مسائل مورد توجه ما مفید بودن آثار در روند این دو مسیر بود.

شعیری دیگر مولفه مهم در داوری‌های خود در جایزه ادبی جلال آل احمد را به این شرح بیان کرد: آخرین نکته مدنظر ما مسئله فرهنگ و اندیشه بود. ما آثار را از نظر نوآوری بررسی و بحث می‌کردیم که این آثار چگونه نتوانسته‌اند مخاطب را به سمت خلاقیت و نوآوری هدایت کنند؛ اما چرا این نکته اهمیت دارد؟ برای اینکه اگر قرار باشد، آثار در طول زمان یا در طول سال یکدیگر را تکرار کنند و در واقع به نوعی شبیه هم باشند، آنوقت داوران درگیر این بحث می‌شوند که چگونه باید این آثار را ارزیابی کرد یا چگونه در ارزیابی خودمان آنها را انتخاب کنیم؟ پس یکی از مشکلات اصلی که با آن مواجه بودیم، بحث نوآوری بود. ما به این نگاه می‌کردیم که در پایان بحث درباره همه ویژگی‌ها، اگر آثار همه مباحث قبلی را دارا باشند، حالا نوآوری و یا خلاقیت‌شان چگونه است؟ این نوآوری به ما نشان می‌دهد که چگونه این آثار از آثار قبلی یا آثار مشابه متمایز شده‌اند؟ و این تمایز می‌شود یک نقطه نگاه برای تصمیم‌گیری نهایی ما.

■ جایزه جلال و جلوگیری از هرز رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی فرهنگ معاصر ایران

نویسنده کتاب «شانه - معناشناسی دیداری» در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ویژگی توسعه‌بخشی جوایز ادبی پرداخت و ادامه داد: بحث دیگر این است که ما تیم داوران آن دوره‌ها در جایزه ادبی جلال آل احمد، به چه فکر می‌کردیم؟ چه تجربه‌ای را از سر گذراندیم و این تجربه چگونه به ما یاری می‌کرد که بتوانیم اهداف اصلی‌مان در جایزه جلال را توسعه بدهیم و رنگ تحقق به آنها ببخشیم. ما اهدافی داشتیم که همه آنها به نظرم تحقق پیدا نکردند. درباره چرایی آن نخست باید به جایگاه جایزه ادبی جلال

بازار نشانه‌ها به هنرمندان اصیل بساط سینمای زیرزمینی برچیده می‌شود

مسعود میر



میر در ادامه و در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: ما باید بایستیم و خودمان را به‌روز کنیم. منبع این اتفاقات را باید جستجو کنیم. جشنواره‌های خارجی با افتخار و احترام فیلم‌های ایرانی را پذیرش کرده‌اند.

روزنامه‌نگار سینما در آخر تأکید کرد: ما نباید سلیقه‌ای عمل کنیم باید کنار هنرمندان اصیل باشیم و در این صورت بساط سینمای زیرزمینی برچیده می‌شود.

فیلم‌نامه‌ای وجود ندارد.

میر با انتقاد از اینکه ما فیلم‌نامه را از همان اول درگیر گرفتن مجوز می‌کنیم تصریح کرد: بسیاری از فیلم‌سازان مجوز فیلم‌نامه را می‌گیرند؛ اما بعد فیلم دیگری می‌سازند که ربطی به فیلم‌نامه ندارد.

وی با اشاره به اینکه عده‌ای فیلم‌نامه را به شکلی می‌نویسند که بتوانند هر مدل خواستند فیلم بسازند گفت: بسیاری از فیلم‌هایی که در سال‌های اخیر مجوز ساخت و نمایش گرفته‌اند را در سینماها پخش کرده‌اند و دیگر فیلم غیب شده است.

مسعود میر روزنامه‌نگار سینما در مصاحبه حضوری با سینما زاویه رادیو گفت‌وگو پیرامون موضوع چالش‌های سینمای زیر زمینی گفت: ما در مورد فیلم‌های بدون مجوز حاکمیتی و رسمی صحبت می‌کنیم کلمه‌ای که به خاطر تغییر منطق سینما به سینمای زیر زمینی تبدیل شده است.

وی با بیان اینکه زمانی باید به‌خاطر دوربین و نگانوی و تشکیلات مجوز رسمی می‌گرفتند و درخواست می‌دادند افزود: فیلم‌سازی نیز مانند موسیقی شده است. در بسیاری از موارد فیلم‌های زیر زمینی اصلاً

عزیز نجف پور آقابیلگو

ایران سایبری-فیزیکی آینده صرفاً با تامین الزامات حکمرانی فضای مجازی ممکن است بخش دوم

ارسال پیامک را بگیرند ولی اینکار را نکردند و حاکمیت هم کاری نکرد و نزدیک به ۶-۷ سال دور خودمان چرخیدیم و هم متهم به فیلترینگ شدیم و هم آن را اجرا نکردیم. مضاف اینکه بالای ۶۰ الی ۷۰ درصد فیلترشکن‌ها خارجی و رایگان هستند و وزارت ارتباطات هم متولی فنی مقابله با فیلترشکن‌ها بود و انصافاً هم تیم جناب دکتر لاجوردی تا حد زیادی توفیق داشتند ولی بعداً برخی با این ادعا که اقدامات وزارت ارتباطات منجر به اختلال در کیفیت اینترنت می‌شود این وظیفه را از وزارت ارتباطات سلب کردند و به یک نهاد بزرگوار دیگری سپردند در حالی که بنا به گزارشات حداکثر ۱۰ درصد اختلالات شبکه اینترنت به دلیل مقابله با فیلترشکن‌ها بود و اصل اختلالات کیفیت شبکه به دلیل عدم نوسازی و بالای یک دهه اهمال در توسعه شبکه علیرغم افزایش مصرف ترافیک بوده است. وقتی علیرغم افزایش قیمت‌ها بنا به دلایل نامعلومی اجازه افزایش تعرفه اینترنت داده نمی‌شود طبیعی است که امکان توسعه کیفیت سرویس‌ها هم مهیا نخواهد شد. بد نیست دلایل عدم افزایش قیمت اینترنت همگام با افزایش کلی قیمت‌ها بررسی شود. به نظر من باز هم یک ملاحظه از جنس اقتصاد سیاسی در میان است.

برخی مدعی هستند که نگرانی از سواستفاده سکوها فیلترشده از کلان داده‌ها، امر بیهوده است چونکه اگر بخواهیم جلوی این فرآیند را بگیریم باید مثلاً گوگل را هم فیلتر کنیم.

با این ادعا هم موافقم و هم مخالفم. موافقم چون گوگل بزرگترین کلان داده مردم دنیا و از جمله ایران را دارد و طبق الگوریتم‌های خودش مثلاً جستجوها را اولویت می‌دهد و ... برای همین از حدود دو دهه گذشته بحث موتور جستجوی ملی مطرح شده و کارهای مهمی هم البته با رویکرد فنی انجام شده ولی چون به بعد اقدامات کم توجهی شده توفیق چندانی نیافته است. اصلاً باید وقت کنیم که فناوری‌های مجازی نوعی از سیستم‌های اجتماعی-تکنیکی هستند که در طراحی و توسعه‌شان حتماً باید به بعد اجتماعی آن توجه کرد. ولی مخالفتیم از این حیث است که سکوها پیام رسانی و شبکه‌های اجتماعی نوع دنیایی که تجمیع و تولید می‌کنند ارزش حکمرانی‌اش بیشتر و متفاوت از گوگل است فلذا در عین اینکه داده‌های کلان ناشی از جستجو، حداقل در منابع داخلی نباید از کشور خارج شود، به اعلی درجه داده‌های کلان پیام رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی هم نباید از کشور خارج شود.

نگرانی از انحصار سکوها داخلی شبیه انحصار در خودروسازی چقدر موضوعیت دارد؟

ببینید اولاً مقایسه خودرو و صنعت خودروسازی با حوزه پیام‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی واجد یک خطای نظری فاحش است. چرا که خودرو کارکرد حکمرانانه خاصی ندارد و مسامحتاً، یک ابزار صرف است ولی فناوری اطلاعات یک فناوری فضا ساز است و مستقیماً با قدرت و حکمرانی نسبت پیدا میکند و مدیریت آن‌لاین آن دست کسانی خارج از مرزهاست. ثانیاً تکثر سکوها داخلی ادعای انحصار را منتفی می‌نماید و همه شاهدیم که سکوها داخلی در یک فضای رقابتی در حال جذب کاربر و توسعه خودشان هستند و برخی هم عقب می‌مانند و مثلاً مجبور شده‌اند به سمت خدمات سازمانی حرکت کنند ثالثاً اگر دنبال انحصار می‌گردیم باید مثلاً گروه متا را معرفی کنیم که به همت برخی از برادران وطنی در طی این سال‌ها سعی کرده یک تاز خدمات ارتباطی و شبکه اجتماعی باشند. اتفاقاً سکوها داخلی زمینه ساز شکستن انحصار سکوها خارجی هستند.

لازم می‌دانم توضیح دهم که متأسفانه تجویزات الگوی حکمرانی خوب ما را به خطاهای فاحشی انداخته است. اصلاً حکمرانی خوب یک نظریه استعماری است که وجه استعماری خودش را در ذیل تجویزهای زیبا پنهان کرده است. تضعیف دولت‌های ملی و باز کردن مرزهای کشورها به روی شرکت‌های غربی و آمریکایی برای پیگیری اهداف کلان نظام سلطه، گوهر حکمرانی خوب است. قبلاً هم چندجایی گفته‌ام که به صورت ناآگاهانه برخی good governance را بدل از governance گرفته‌اند و این در بین مهندسان فناوری اطلاعات که فقر نظری دارند



بیشتر شایع است. اگر گوهر حکمرانی را مشارکت غالب ذینفعان خارج از حاکمیت در تعیین سیاست‌ها و پیشبرد برنامه‌ها بدانیم دهه اول انقلاب اسلامی تجلی تام معنای حکمرانی است و اتفاقاً جریانی که در دهه ۷۰ توده مردم را از صحنه حکمرانی بیرون کرد و به نخبان بسنده نمود امروز داعیه دار حکمرانی شده است. ولی واقعیت این است که اول داعیه دار مشارکت مردم در شوون مختلف حاکمیت، انقلاب اسلامی است و ادبیات رهبری در حوزه مردمی شدن هم بدین مساله اشاره دارد. در حوزه فضای مجازی هم به نظرم بد نیست با زاویه نگاه مردمی شدن و مشارکت توده مردم، نه فقط چند شرکت و زیست بوم دست ساخته خصولتی، بلکه به موضوع کلان حکمرانی و ایران سایبری فیزیکی آینده در سطح جهانی فکر کنیم.

برخی این رفع فیلترینگ در شرایط امنیتی کشور را که بدون اخذ الزامات لازم از سکوها رخ داده را کودتا می‌نامند. نظر شما چیست؟

عبارت کودتا را قبول ندارم ولی حتماً که جریان انقلابی و جریان استقلال خواه و وطن دوست از رفتارهای اخیر جریان استعمار سایبری بیش از پیش احساس خطر کرده و این مساله را نباید به شوخی گرفت. نظام سلطه و در راس آن آمریکا به همان میزان که در عرصه فیزیکی دچار ضعف شده است، به همان میزان در فضای سایبر قدرتمندتر شده و به دلیل شکاف فناوری، روز به روز قدرتش رو به افزایش است و از قدرت سایبری خود برای جبران ضعف‌های خود در عرصه فیزیکی استفاده میکند. عملیات مختلف جنگ شناختی را هم در سالهای اخیر به عینه دیدیم و ابعاد خسارت بار آن را مشاهده کردیم و این ترم هم چیزی نیست که ساخته ذهن ما باشد بلکه به صراحت در ادبیات نظامی و علمی غربی‌ها اشاره می‌شود و مثلاً مجله تخصصی ناتو ریویو سال گذشته گزارشی از ابعاد آن ارائه کرد. بستر اجرای جنگ شناختی، فضای مجازی و ابزارهای این فضا است. جریان انقلاب اسلامی حق دارد که به بازگشایی بدون قاعده سکوها آمریکایی حساس باشد و به افکار و نیات عاملان آن مشکوک باشد.

بالاخره جناب دکتر پیشرفت همگام با تحولات جهانی را که نمیتوان با سیاست‌های سلبی‌ای مثل فیلترینگ تامین کرد. مثلاً برخی از صاحب نظران معتقدند که فیلترینگ الان مانع توسعه هوش مصنوعی است.

اتفاقاً اول مدعی ضرورت پیشرفت سایبری همگام با تحولات جهانی ما هستیم. این ما هستیم که هم‌تراز با کشورهای پیش‌رو از ضرورت ایران سایبری-فیزیکی در تراز جهانی حرف می‌زنیم. شبیه سوسایتی ۵ ژاپن و اینترنت پلاس چین و اینداستوری ۴ اروپا... ولی ضعف‌های ما جدی است و باید هرچه سریعتر خودمان را برسانیم. الان در حوزه صنعت مخابرات، زیرساخت و ابزارها، سکوها و محتوا و سایر حوزه‌ها ما شدیداً نیازمند کار و فعالیت هستیم و سرمایه‌گذاری جدی‌ای انجام نداده‌ایم. هوش مصنوعی هم ربطی به فیلترینگ ندارد و متأسفانه برخی در بستر عوام‌فریبی حرف‌های بی‌ربطی می‌زنند ما اگر نتوانیم در حکمرانی سایبری حداقل‌های لازم را تامین کنیم در حوزه هوش مصنوعی به اعلی درجه نخواستار کار می‌انجام دهیم. فضای مجازی ول، هوش مصنوعی ول‌تر را دامن خواهد زد و اگر تدبیری نکنیم هوش مصنوعی نظام سلطه بر اساس عقلا نیت خاص خودش منافع خود را در جامعه ما پیش خواهد برد و ما را در عین مستی عیشی که از جهالت حاصل می‌شود، بیشتر در باتلاق استعمار جدید که من اسمش را استعمار سایبری می‌نامم، فرو خواهد برد. (جام جم)

گفتارهایی درباره باید‌های پس از جنگ سوریه

همان ابتدا نگاه صاحب‌نظران فرهنگی و اجتماعی را به مراقبت از عدم تکرار آن تجربه تلخ و توجه به ریشه‌های آن معطوف کرد. این جلسات که به صورت عمومی و رسانه‌ای برگزار می‌شد، تا هنگام شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی در یازدهم جلسه در حسینیة هنر تهران برگزار و تلاش شد علاوه بر کلیشه‌شکنی درباره حضور بین‌المللی مردمی در سوریه، شناخت خوبی از سوریه و ضرورت‌های پس از جنگ در این کشور تبیین شود. رویکردهای این مجموعه نشست‌ها، علاوه بر «شناخت سوریه»، بیان «سرمایه‌های ایران صدور به سوریه» و همچنین «چالش‌های پیش‌رو» بود. رویکرد این مجموعه نشست‌ها به مسئله «دفاع فرهنگ» از حرم، نه یک نگاه صرفاً فرهنگی هنری، بلکه یک نگاه فراتر بود که فرهنگ را مجموعه‌ای از اقدامات

اجتماعی، اقتصادی و البته فرهنگی - هنری می‌دانست که موجب تعاملات جدی فرهنگی و اجتماعی بین مردم دو کشور ایران و سوریه می‌گردد. مینا در این نشست‌ها احترام به فرهنگ و مردم متدمن سوریه و یافتن راه‌های تعامل و تبادل فرهنگی با این کشور و تقویت محور مقاومت در برابر آسیب‌ها و چالش‌ها بود.

مجموعه این نشست‌ها با تدوین گفتار متخصصان و میهمانان آن جلسات، در قالب کتاب «مدافعان فرهنگی حرم» گفتارهایی درباره باید‌های پس از جنگ سوریه» منتشر شد. این کتاب با تدوین سجاد اسلامیان در ۲۹۶ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه توسط انتشارات «راه یار» روانه بازار نشر گردید.



عدالت فرهنگی صرفاً داشتن وتوزیع امکانات فرهنگی ایجاد نمی‌شود

ویداملکی-ام‌لیلا شعبانی

ویدا ملکی، سرپرست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» با موضوع توزیع عادلانه امکانات فرهنگی و دسترسی آسان آن بیان داشت: بیش از آنکه به توزیع امکانات فرهنگی فکر کنیم باید توجه داشت که امکانات فرهنگی ایجاد شده تا چه حد بازخورد داشته است.

وی با بیان اینکه یکی از جلوه‌هایی که فرهنگ در آن متجلی می‌شود فضای محلی است که در آن زندگی می‌کنیم افزود: به طور مثال در شهری مثل تهران که همه امکانات فرهنگی از سالن سینما تئاتر و پارک‌های متنوع وجود دارد، ولی این‌گونه نیست که این امکانات، فرهنگ متعالی را ارائه دهد و باعث آرامش و لذت فرهنگی مردم شود.

ملکی تصریح کرد: با ایجاد امکانات فرهنگی قرار است افراد متعالی و دل‌آرام شوند؛ ولی اکنون علی‌رغم اقدامات فرهنگی زیادی که انجام شده و امکانات فرهنگی موجود، حال مردم خوب نیست چرا که صرف وجود امکانات فرهنگی الزاماً اتفاق فرهنگی رقم نمی‌خورد.

سرپرست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران اظهار داشت: در سال‌های گذشته امکانات فرهنگی بالقوای مانند کوجه‌ها که اغلب مراسم‌ها مانند نیمه شعبه هیات مذهبی و... در این کوجه‌ها شکل می‌گرفت متأسفانه فراموش شده است.

وی در ادامه با تأکید بر اینکه موازی‌کاری‌های فرهنگی که اتفاق می‌افتد باعث هدررفت هزینه‌ها و بودجه می‌شود بیان داشت: اگر قرار است بودجه‌ای برای یک کار فرهنگی هزینه شود بهتر است برای یک کار خلاقانه و نو هزینه شود.

ملکی اذعان داشت: به طور مثال توجه و سرمایه‌گذاری برای توسعه کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بهتر از ساختن مدل آنها و انجام همان کاری است که این کتابخانه‌ها انجام می‌دهند.

در بخش تولید محتوای فرهنگی بخشی از اقصا جامعه نادیده گرفته می‌شود

ام لیلا شعبانی، کارشناس مسئول فرهنگی کانون پرورش فکری استان تهران نیز در ادامه برنامه با تأکید بر اینکه متأسفانه در بخش تولید محتوای فرهنگی بخشی از اقصا جامعه نادیده گرفته می‌شود بیان داشت: در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی افراد دارای نیاز ویژه در تولید محتوای فرهنگی همیشه در اولویت قرار می‌گیرند.

وی ادامه داد: هر کار فرهنگی سه بخش تولید، بخش توزیع و ارائه و بخش مصرف دارد که در کشور ما عدالت فرهنگی فقط در بخش توزیع امکانات فرهنگی دیده می‌شود درحالی‌که در عرصه تولید عدالت به مصرف عدالت فرهنگی هم باید علاوه بر توزیع عادلانه امکانات فرهنگی توجه شود.

شعبانی تصریح کرد: توزیع و ارائه و دسترسی آسان امکانات فرهنگی نمی‌تواند عادلانه باشد و بایستی مناسب و در اندازه باشد چرا که وقتی کار فرهنگی بیش از اندازه توزیع شود تبدیل به ضد فرهنگ می‌شود.

کارشناس مسئول فرهنگی کانون پرورش فکری استان تهران عرصه فرهنگ به‌خصوص در حوزه کودک و نوجوان متأسفانه با موازی‌کاری‌هایی مواجه شده و بازار کارهای فرهنگی را پررونق کرده؛ ولی این رونق به معنای این نیست که کارهای فرهنگی انجام شده مورد تأیید است.

وی با بیان اینکه برای ارائه کار فرهنگی باید به زیست‌بوم منطقه توجه کرد و خرده‌فرهنگ‌های هر منطقه با

زیست‌بوم و جغرافیای خود شکل و رونق بگیرد بیان داشت: کار فرهنگی وقتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که در آن تفاوت‌های فرهنگی و توجه به تفاوت‌های بومی دیده شود که برای این مهم و توسعه و تعمیق کار فرهنگی باید از انجام کار فرهنگی صرف و لایتغیر بپرهیزیم و شرایط جغرافیای آن منطقه مورد توجه قرار گیرد.

شعبانی توجه به افراد دارای نیازهای ویژه، راه‌اندازی مرکز ویژه بچه‌های سندروم داون، تماشاخانه سیار و مراکز سیار روستایی، ایجاد امکان مکاتبات ادبی کودکان با کانون پرورش فکری کودکان را از مصادیق اقدامات فرهنگی کانون در ایجاد عدالت فرهنگی عنوان کرد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهوویی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



گفتارهایی درباره پایداری پس از جنگ سوریه

انقلاب اسلامی از همان روزهای اول پیروزی در بهمن ۱۳۵۷ نظر ویژه‌ای به جهان اسلام و مسئله محوری آن، فلسطین داشت و صدور انقلاب اسلامی را یکی از اهداف طلایی و ضروری خود اعلام کرد.

بازارزش نهادن به هنرمندان اصیل بساط سینمای زیرزمینی برچیده می‌شود

ما در مورد فیلم‌های بدون مجوز حاکمیتی و رسمی صحبت می‌کنیم کلمه‌ای که به‌خاطر تغییر منطق سینما به سینمای زیر زمینی تبدیل شده است.

1

1

استقلال اسیر بحران مدیریتی

شیوانوروزی

حواشی استقلال نه تنها با آمدن سرمربی آفریقایی کاهش نیافته، بلکه با اعلام رسمی استعفای رئیس هیئت مدیره، آبی‌ها بار دیگر حاشیه‌ساز شدند. از زمانی که مالکیت استقلال به گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس سپرده شده، این باشگاه یک روز خوش ندیده است. مدیریت هلدینگ خلیج فارس با انتخاب افراد اشتباه و سپردن مسئولیت باشگاه به آنها مسبب اصلی بحران امروز استقلال است و این هواداران هستند که از سقوط نایب‌قهرمان فصل قبل به رده دهم جدول و دور ماندن از کورس قهرمانی زجر می‌کشند. احمد شهریاری دیگر رئیس هیئت مدیره باشگاه نیست و مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس استعفایش را پذیرفته و تا این لحظه خبری از معرفی جایگزین او نشده است. محمد شریعتمداری به تازگی جانشین علی‌عسگری شده و مدیرعامل هلدینگ حالا مسئولیت انتخاب اعضا و رئیس هیئت مدیره باشگاه استقلال را نیز برعهده دارد. از آنجا که شهریاری انتخاب علی‌عسگری بود و عملکرد هشت ماهه‌اش ثابت می‌کند مدیرعامل قبلی سرنوشت آبی‌ها را به گزینه اشتباهی سپرده، هواداران استقلال امیدوارند شریعتمداری با دست‌فرمان قبلی پیش نرود و فردی دلسوز و کاربلد را جایگزین شهریاری کند. در روزهای اخیر شکایت دو بازیکن خارجی به فیفا سروصدای زیادی به راه انداخت. کیوسفسکی و زلیکیچ همان دو بازیکن بوسنیایی هستند که توسط شخص شهریاری، رئیس هیئت مدیره وقت با آنها قرارداد امضا شد و همه می‌دانستند جواد نکونام، سرمربی وقت تیم اعتقادی به آنها ندارد. اینکه چرا دو بازیکن خارجی بدون نظر سرمربی باید به استقلال بیایند تنها یک سوی ماجراست و اصل قضیه اینجاست که کیوسفسکی حتی به ایران نیامد و آن یکی نیز یک دقیقه هم برای تیم بازی نکرد. بعد از فسخ قرارداد هر دو نفر شهریاری مدعی شد این مسئله خسارتی برای استقلال در پی نخواهد داشت، ولی شکایت به فیفا



نشان می‌دهد بازیکنان بوسنیایی قراردادی سفت و سخت با استقلال دارند و در محاکم بین‌المللی خواستار دریافت غرامت سنگین شده‌اند. هنوز معلوم نیست استقلال بابت این دو بازیکن چندصد هزار دلار باید بپردازد، اما این تنها تصمیم اشتباه رئیس مستعفی نبود. شهریاری در بدو ورود با برکناری خطیر از مدیرعاملی باشگاه حاشیه‌ساز شد و برخلاف انتظارات استقلال صدرنشین فصل گذشته جام را از دست داد. ادامه همکاری با جواد نکونام و انتخاب فرشید سمیعی به‌عنوان مدیرعامل، تأثیر مستقیمی در سقوط استقلال داشت. بعد از برکناری نکونام نیز کسی انتظار نداشت سرمربی جدید استقلال از آفریقای جنوبی بیاید. سپردن مسئولیت به پیتسو موسیمانه همه را متعجب کرد. ضمن اینکه هنوز مرد آفریقایی نتوانسته استقلال را نجات دهد و تیم را به آرامش برساند. در آستانه دیدار حساس با سپاهان و پایان نیم‌فصل اول، وضعیت مدیریتی آبی‌ها آنقدر بحرانی است که به‌هیچ وجه نمی‌توان آینده خوشی را برای این تیم متصور بود. ضمن اینکه تاجر نیای اصلی ترین گزینه جانشینی شهریاری فردی کاملاً سیاسی است و چنین انتخاب‌هایی نمی‌تواند حلال مشکلات آبی‌ها باشد.

۶ ماه طول می‌کشد مربی خارجی نام بازیکنان را یاد بگیرد



علی پروین پس از برتری تیم منتخب ملی پوشان ایران در جام جهانی ۱۹۹۸ مقابل پیشکسوتان سرخابی، در مورد وضعیت پرسپولیس گفت: کریم باقری در این هفته سرمربی است و اگر خودش بخواهد، سرمربی می‌ماند. ان‌شاءالله این بازی (مقابل تیم هوادار) را ببرند و پس از آن درباره تیم صحبت می‌کنم. خودم همین‌گونه مربی شدم. یک روز عسگرزاده گفت کار دارم و محمد پنجعلی، محمد مایلی‌کهن و محمد دادکان گفتند خودت سرمربی باش. من هم سرمربی ماندم! باقری بازیکنی بزرگ بوده و کنار سرمربیان پرسپولیس کار کرده است. بد نیست او سرمربی بماند.

پروین در پاسخ به این پرسش که باشگاه پرسپولیس باید اقدام به عقد قرارداد با مربی خارجی کند یا داخلی، بیان کرد: شش ماه طول می‌کشد تا مربی خارجی نام بازیکنان را یاد بگیرد! اگر مربی خارجی می‌آوردید، حداقل یک مربی درجه یک بیاورید. برانکو ایوانکوویچ گزینه‌ای خوب است، اما شنیدم که همسرش گفته نباید و او هم می‌ترسد!

بازی باملوان خیلی ویژه‌است



یحیی گل‌محمدی دیشب در حاشیه تمرین تیمش در خصوص شرایط بازی تیمش مقابل ملوان بندر انزلی در هفته پانزدهم لیگ برتر، اظهار کرد: دوست داشتیم در حضور تمامی هواداران مان که از روز اول در کنارمان بودند این بازی را برگزار کنیم و ما باید با توجه به رای صادره از این حق طبیعی خودمان دفاع می‌کردیم. خوشحالیم از اینکه بانوان خوزستانی برای نخستین بار به ورزشگاه می‌آیند و بازی تیم را از نزدیک تماشا می‌کنند. تمام مجموعه تیم از این اتفاق خوشحال هستند و بی‌صبرانه در انتظار شروع بازی و حضور پرشور بانوان خوزستانی هستیم تا اتفاقی تاریخی در استان خوزستان رقم بخورد.

با توجه به شرایط دو تیم و حساسیت بالای بازی درخواست کردیم که در این دیدار از کمک داور ویدئویی (VAR) استفاده شود که متأسفانه مطلع شدیم این بازی هم بدون VAR در اهواز برگزار می‌شود. تمرینات خوبی را پشت سر گذاشته‌ایم و امیدوارم با حضور هواداران مان نتیجه مورد نظر را کسب کنیم.

داستان متفاوت پول و بدهی در ورزش

فریدون حسن



ورزشکاران این فدراسیون‌ها علاوه بر بار سنگین بی‌توجهی و عدم رسیدگی، نگاه سنگین طلبکاران را هم تحمل نکنند و حداقل بتوانند از اموالشان به درستی استفاده کنند.

آنچه مشخص است اینکه وزارت ورزش به عنوان متولی اول و آخر ورزش کشور باید فکری اساسی به حال معضلات این چینی فدراسیون‌های مدال آور و افتخارآفرین کند تا حداقل مسئولان

بعید نیست خیلی زود شاهد رسانه‌ای شدن خبر توقیف اموال این فدراسیون هم باشیم. خجالت‌آور است که فدراسیون‌های افتخارآفرین ورزش اینگونه به‌خاطر مبالغی که در بحث کلان اصلاً دیده نمی‌شوند با چالش‌هایی نظیر آنچه وزنه‌برداری با آن روبه‌روست، مواجهه شوند و کسی هم دم نزند. خجالت‌آور است که ورزش قهرمانی ایران با وجود این همه تلاش و زحمت و افتخار لنگ پول باشد، ولی پول در جایی دیگر که فقط اسم آن حرفه‌ای شده، حیف و میل شود و نتیجه‌ای هم در پی نداشته باشد.

خبری از پول است و نه خبری از حمایت. نمونه بارز این مسئله را می‌توان در فدراسیون‌های مختلف دید. فدراسیون‌هایی که روزی نیست خبری در خصوص توقیف یا ضبط اموالشان از سوی طلبکاران رسانه‌ای نشود. فدراسیون‌هایی نظیر وزنه‌برداری که همین چند روز قبل تیم‌های بزرگسالان و جوانان آن در سطح جهان و قاره کهن افتخارآفرینی کردند، اولی نایب‌قهرمان جهان شد و دومی بر سکوی قهرمانی آسیا تکیه زد، اما درست بعد از این افتخارآفرینی‌ها به‌خاطر ۳۰ میلیارد تومان بدهی که آن هم متعلق به دوران ریاست قبلی بود، اموال فدراسیون توقیف شد! بله، درست خواندید؛ ۳۰ میلیارد، یعنی مبلغ قرارداد یک بازیکن فوتبال، ولی همین ۳۰ میلیارد می‌تواند یک فدراسیون افتخارآفرین را به چالش بکشاند و باعث شود رئیس فدراسیون کاسه چه کنیم، چه کنیم به دست بگیرد. ناگفته نماند که از این دست فدراسیون‌ها زیاد است، مثلاً می‌توان به فدراسیون ناشنوایان اشاره کرد که با مشکلی شبیه آنچه فدراسیون وزنه‌برداری با آن روبه‌روست، دست به گریبان است و هیچ

داستان پول و بدهی در ورزش ایران ماجرای عجیب و غریبی است که از رشته‌ای به رشته دیگر متفاوت است. مثلاً در فوتبال شما می‌توانید به عنوان مدیر (از مدیر کلان گرفته تا مدیران رده‌های پایین) میلیاردری خرج کنید. می‌توانید بدون داشتن پشتوانه مالی بازیکن خارجی به خدمت بگیرید و تا دلتان بخواهد بدون نگرانی بدهی بالا بیاورید. اصلاً مشکلی نیست، چرا؟ چون بیت‌المال و پول مردم هست و هر وقت خواستید می‌توانید داستان را تا آرنج در این کیسه فرو و با برداشت از آن بدهی‌ها را پرداخت کنید. نمونه‌های این ماجرا هم اینقدر زیاد و تکراری است که از حوصله این چند خط خارج است. اما در ورزشی که برای فوتبال همیشه بازنده آن پول هست شما اگر در رشته‌ای دیگر فعال باشید اوضاع کاملاً متفاوت می‌شود. اصلاً هم تفاوتی نمی‌کند که مثلاً در المپیک بهترین نتیجه را کسب کرده باشید یا در بازی‌های آسیایی چهره موفقی از خود نشان داده باشید یا اینکه ورزشکاران تحت امرتان در مسابقات جهانی رقبای سرسخت خود را شکست داده باشند و برای کشور مدال آوری کرده و افتخارآفرین شده باشند. اینجا نه